



بررسی صنعت مواد غذایی در ایران

در سال ۱۴۰۳ و نه ماهه نخست ۱۴۰۴





بررسی صنعت مواد غذایی ایران در سال ۱۴۰۳

و نه ماهه نخست سال ۱۴۰۴

مرکز تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه

تهیه کننده: باقر قائدی

مرداد ۱۴۰۵

خلاصه مدیریتی

از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۳، متوسط کالری قابل دسترس در جهان از ۲,۸۴۵ کالری به ازای هر نفر در روز با رشد مرکب سالانه ۰/۵ درصدی به ۳,۰۱۶ کالری به ازای هر نفر در روز رسیده است. با نگاهی بلندمدت‌تر، متوسط جهانی کالری قابل دسترس برای هر نفر در روز از سال ۱۹۶۱ تا سال ۲۰۲۳ معادل ۳۷/۱ درصد افزایش یافته است. در مورد ایران شاخص کالری قابل دسترس به ازای هر نفر در روز از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۳ دائماً در نوسان بوده و به طور خالص در این مدت رشد اندکی یافته است تا در سال ۲۰۲۳ به ۲,۸۷۵ کالری به ازای هر نفر در روز برسد.

روند تولید محصولات کشاورزی در جهان طی دو دهه اخیر از گسترش ظرفیت‌های تولیدی حکایت دارد. ارزش واقعی تولید محصولات کشاورزی جهان طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ با رشد مرکب سالانه ۱/۷ درصد افزایش یافته و از ۳,۰۶۵ میلیارد دلار به ۴,۵۴۸ میلیارد دلار رسیده است. این رشد عمدتاً تحت تأثیر افزایش تولید در مناطق آفریقا و آسیا بوده است که به ترتیب رشد ۱۱۱/۸ درصدی و ۷۵/۹ درصدی را در این دوره ۲۳ ساله تجربه کرده‌اند. در اقتصاد ایران نیز بخش کشاورزی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳ توانسته است حجم تولید خود را از ۶۹/۲ میلیون تن به ۹۰/۱ میلیون تن افزایش دهد تا رشد مرکب سالانه ۱/۵ درصدی را ثبت کند. با این حال، ساختار تولید همچنان وابستگی قابل توجهی به محصولات زراعی به ویژه غلات دارد. غلات در سال ۱۴۰۳ با سهم ۳۰ درصدی از کل تولید کشاورزی، مهمترین گروه محصولات کشاورزی کشور بوده که بخش عمده آن را گندم، جو و برنج تشکیل می‌دهد. با وجود کاهش بارندگی در سال‌های اخیر، تولید برنج در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۳۸۵ حدود ۳۶/۳ درصد افزایش یافته است.

تحولات بازار کار در بخش کشاورزی-غذایی جهان طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ میلادی حاکی از کاهش ۱۴/۶ درصدی اشتغال در این بخش بوده، در حالی که اشتغال در بخش‌های غیرکشاورزی مرتبط با زنجیره غذایی رشدی معادل ۳۵/۲ درصد را ثبت کرده است. این روند را می‌توان ناشی از پیشرفت فناوری، مکانیزاسیون فعالیت‌های کشاورزی، افزایش بهره‌وری عوامل تولید و همچنین تغییر الگوی تقاضای مصرف‌کنندگان به نفع محصولات غذایی فرآوری‌شده دانست.

بر اساس گزارش «شاخص هدررفت مواد غذایی سازمان ملل»، در سال ۲۰۲۲ حدود ۱/۱ میلیارد تن غذا در جهان در بخش‌های خانوار، خدمات غذایی و خرده‌فروشی هدر رفته است. این میزان معادل ۱۳۲ کیلوگرم به ازای هر نفر در سال و حدود ۱۹ درصد غذای در دسترس مصرف‌کنندگان است. میزان هدررفت مواد غذایی در ایران در بخش خانوار ۹۳ کیلوگرم به ازای هر نفر در سال برآورد شده که معادل حدود ۸/۲ میلیون تن در سال است. اگر بخش‌های خدمات و خرده‌فروشی را نیز در کنار خانوار در نظر بگیریم، مجموع هدررفت سالانه مواد غذایی در ایران به حدود ۱۱/۹ میلیون تن می‌رسد.

بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی، شاخص قیمت غذا در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ به ترتیب ۲/۴ درصد و ۱/۳ درصد افزایش خواهد یافت. در بخش غلات، بانک جهانی پیش‌بینی کرده است که تولید جهانی غلات در سال ۲۰۲۶ حدود ۲/۰ درصد کاهش یابد و تولید جهانی گندم نیز در سال ۲۰۲۷ حدود ۳/۸ درصد کمتر شود. این موضوع می‌تواند بازار محصولات آردی، نان صنعتی، ماکارونی، بیسکویت و خوراک دام را تحت فشار قرار دهد. همچنین پیش‌بینی می‌شود که قیمت روغن سویا از ۱,۱۴۰ دلار به ازای هر تن در سال ۲۰۲۵ به ۱,۲۳۳ دلار در سال ۲۰۲۶ و ۱,۲۳۶ دلار در سال ۲۰۲۷ افزایش یابد. از آنجا که بخش عمده مواد اولیه تولید روغن خوراکی در ایران از طریق واردات دانه‌های سویا و روغن خام تأمین می‌شود، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن‌اند که در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ افزایش قابل توجهی در قیمت جهانی این نهاده‌ها رخ نخواهد داد.

ارزش صادرات محصولات کشاورزی-غذایی ایران از ۶/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۳ به ۸/۵ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته و ارزش واردات این محصولات در همین بازه زمانی از ۱۲/۲ میلیارد دلار به ۱۶/۶ میلیارد دلار رسیده است. بنابراین کسری تراز تجاری محصولات کشاورزی-غذایی از ۵/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۳ به حدود ۸/۱ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است. در سال ۱۴۰۳ محصولات زراعی - عمدتاً شامل برنج، گندم، جو، ذرت و دانه‌های روغنی - حدود ۷۲/۷ درصد از کل واردات ایران در بخش کشاورزی را تشکیل داده‌اند. پس از آن محصولات باغی - عمدتاً شامل انواع میوه، قهوه، کاکائو و چای - با سهم ۱۱/۵ درصدی در جایگاه دوم قرار گرفته‌اند. همچنین صادرات عمدتاً متکی به محصولات باغی بوده است. عمده محصولات صادراتی شامل انواع محصولات باغی با ۴/۳ میلیارد دلار (عمدتاً صادرات میوه‌ها به ویژه پسته با ۱/۶ میلیارد دلار) و محصولات لبنی با ۱/۱ میلیارد دلار بوده است.

روغن خوراکی یکی از بخش‌های مهم صنعت غذایی است که علاوه بر نقش اساسی در سبد مصرفی خانوار، به عنوان ماده اولیه در تولید بسیاری از محصولات غذایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقدار تولید روغن خوراکی ایران از یک میلیون و ۵۰۵ هزار تن در سال ۱۳۹۴ با رشد ۳۶/۸ درصدی به ۲ میلیون و ۵۹ هزار تن در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است. در سال ۱۴۰۴ در ساختار بازار روغن خوراکی ایران، شرکت بهشهر با برندهای «بهار» و «لادن» با سهم ۱۸/۱ درصدی و شرکت صنعت غذایی کورش با برندهای «ویلا»، «فامیلا» و «کیمبال» با سهم ۱۲/۲ درصدی از حجم فروش انواع روغن خوراکی، به عنوان بزرگترین تولیدکنندگان روغن خوراکی بازار فعالیت دارند. علاوه بر این، سه شرکت «طبیعت سبز پارس کهن»، «کشت و صنعت شمال» و مارگارین نیز در زمره بازیگران اصلی صنعت قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که این پنج شرکت در مجموع بیش از نیمی از حجم فروش روغن خوراکی کشور را در اختیار دارند.

آمارهای انجمن صنفی صنایع روغن نباتی ایران نشان می‌دهد که حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد مواد اولیه مورد استفاده در صنعت روغن خوراکی کشور وابسته به واردات است. بر اساس آمار وزارت جهاد کشاورزی، در سال ۱۴۰۳ حدود ۲ میلیون و ۵۵۹ هزار تن دانه‌های روغنی و یک میلیون و ۳۷۳ هزار تن روغن نباتی وارد کشور شده است. ارزش این واردات شامل یک میلیارد و ۶۷۸ میلیون دلار برای دانه‌های روغنی و یک میلیارد و ۵۸۹ میلیون دلار برای

روغن نباتی بوده است. در بازه ده ساله منتهی به ۱۴۰۳، در مجموع به طور متوسط سالانه حدود ۳/۱ میلیارد دلار دانه‌های روغنی و روغن نباتی به کشور وارد شده است که با توجه به تخصیص ارز با نرخ ترجیحی به این حوزه در این دوره، رقم قابل توجهی است.

مجموع ارزش فروش شش شرکت بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در ایران از ۴۸۷/۹ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۲ با حدود ۳/۲ درصد افزایش به ۵۰۳/۶ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۳ بالغ شد. این رشد در مقایسه نه ماهه نخست ۱۴۰۴ با نه ماهه نخست ۱۴۰۳ به حدود ۴۸/۶ درصد می‌رسد که بخشی از آن ناشی از اصلاحات قیمتی در این صنعت است. همچنین متوسط نسبت ارزش سود خالص به ارزش فروش این شرکت‌ها از ۲/۴ درصد در نه ماهه نخست سال ۱۴۰۳ به حدود ۱۳/۰ درصد در مدت مشابه سال ۱۴۰۴ افزایش یافته است. از این رو، بخش قابل توجهی از رشد چشمگیر سودآوری شرکت‌های تولید روغن مورد بررسی را می‌توان ناشی از پایین بودن سطح سودآوری در سال پایه دانست. با این حال نقش رشد قیمت روغن خوراکی در این زمینه چشمگیر است، به نحوی که متوسط قیمت محصولات این دسته در آذر ماه ۱۴۰۴ نسبت به ماه مشابه سال قبل از آن حدود ۸۲/۷ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۴۰۳ متوسط حاشیه سود خالص شش شرکت تولیدکننده روغن خوراکی حاضر در بازار سرمایه که بیش از ۵۰ درصد از عرضه بازار را در اختیار دارند، حدود ۶/۳ درصد ثبت شده است. این میزان در مقایسه با بسیاری از صنایع دیگر رقم اندکی به شمار می‌آید و نشان‌دهنده محدودیت سودآوری در این صنعت است.

بر اساس آمارهای انجمن صنفی قند و شکر ایران تا پایان سال ۱۴۰۳ در مجموع ۴۱ شرکت تولیدکننده قند و شکر در ایران فعالیت دارند که از این تعداد ۳۲ شرکت با ماده اولیه چغندر قند و ۹ شرکت با ماده اولیه نیشکر به تولید می‌پردازند. مجموع تولید قند و شکر در ایران از یک میلیون و ۱۵۰ هزار تن در سال ۱۳۹۰ با رشد مرکب سالانه ۴/۱ درصدی به یک میلیون و ۹۴۳ هزار تن در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است. ساختار بازار قند و شکر ایران بیانگر وابستگی معنادار به واردات است. در سال ۱۴۰۳ حدود ۱/۱ میلیون تن قند و شکر به ارزش ۶۵۹ میلیون دلار وارد کشور شده که ۱۸/۷ درصد آن توسط دولت و مابقی توسط بخش خصوصی انجام شده است. روند واردات در سال‌های اخیر با نوسان همراه بوده، اما در بازه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ به طور متوسط حدود ۴۱/۰ درصد از نیاز بازار داخلی از طریق واردات تأمین شده است. با این حال سهم تولید داخلی در سال‌های اخیر تا حدی افزایش یافته است. برای مثال مجموع ارزش فروش ۱۷ شرکت بورسی تولیدکننده قند و شکر ایران از ۱۸۵/۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۲ با حدود ۵۷/۳ درصد افزایش به ۲۹۱/۸ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۳ رسیده است. برخلاف صنعت روغن خوراکی که رشد ارزش فروش شرکت‌های آن در سال ۱۴۰۳ عمدتاً ناشی از افزایش قیمت محصولات بوده، بخش قابل توجهی از رشد فروش شرکت‌های قند و شکر از محل افزایش تولید و حجم فروش حاصل شده است.

از سوی دیگر، مجموع سود خالص ۱۷ شرکت تولیدکننده قند و شکر مورد بررسی از ۲۵/۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۲ به ۴۲/۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته که بیانگر رشد ۶۵/۴ درصدی سودآوری

شرکت‌های مورد بررسی است. متوسط وزنی حاشیه سود خالص ۱۷ شرکت تولیدکننده قند و شکر در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۴/۴ درصد بوده است. مجموع ارزش فروش این ۱۷ شرکت از ۱۹۴/۶ هزار میلیارد ریال در نه ماهه نخست ۱۴۰۳ با حدود ۶۵/۴ درصد افزایش به ۳۲۱/۷ هزار میلیارد ریال در نه ماهه نخست ۱۴۰۴ رسیده است. مجموع ارزش سود خالص آنها نیز از ۳۰/۷ هزار میلیارد ریال در نه ماهه نخست ۱۴۰۳ به ۴۲/۳ هزار میلیارد ریال در نه ماهه نخست سال ۱۴۰۴ افزایش یافته است.

مجموع مانده موجودی نقد بانکی ۲۳ شرکت مورد بررسی (شرکت‌های تولیدکننده روغن خوراکی و قند و شکر) در صنعت مواد غذایی در پایان آذر ماه ۱۴۰۴ حدود ۸۴/۳ هزار میلیارد ریال بوده است. شرکت‌های صنعتی بهشهر و صنعتی بهپاک به ترتیب با ۵۵/۵ هزار میلیارد ریال و ۶/۰ هزار میلیارد ریال، بیشترین مانده وجوه نقد بانکی را در پایان آذر ماه سال ۱۴۰۴ در بین شرکت‌های صنعت غذایی مورد بررسی در اختیار داشته‌اند. بنابراین نسبت مانده وجوه نقد بانکی به ارزش فروش نه ماهه نخست سال ۱۴۰۴ شرکت‌های مورد بررسی در صنعت غذایی در پایان آذر ماه ۱۴۰۴ حدود ۹/۷ درصد بوده است.

مجموع مانده تسهیلات شرکت‌های صنعت غذایی مورد بررسی در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۴ حدود ۱۸۱/۷ هزار میلیارد ریال است. به طور متوسط نسبت مانده تسهیلات به فروش سال ۱۴۰۳ شرکت‌های صنعت غذایی مورد بررسی حدود ۲۳/۷ درصد بوده که این نسبت برای شرکت‌های تولیدکننده روغن خوراکی و قند و شکر به ترتیب حدود ۳۲/۹ درصد و ۶/۱ درصد است. همچنین مجموع مانده تسهیلات غیرجاری (سرسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول) شرکت‌های صنعت غذایی مورد بررسی در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۴ معادل ۶۴۱/۰ میلیارد ریال بوده است که این رقم کمتر از نیم درصد از مجموع مانده تسهیلات شرکت‌های صنعت غذایی مورد بررسی در این تاریخ را تشکیل می‌دهد. در مجموع بررسی شاخص‌های اعتباری نشان می‌دهد که نسبت مانده تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی در صنعت غذایی نسبت به صنایعی همچون پتروشیمی، دارو و سیمان کمتر است. این موضوع بیانگر آن است که صنعت غذایی در مجموع از منظر کیفیت ریسک اعتباری و نکول، وضعیت مناسب‌تری نسبت به برخی صنایع بزرگ کشور دارد.

مجموع مانده ضمانت‌نامه بانکی ۲۳ شرکت صنعت غذایی مورد بررسی در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۴ در مجموع حدود ۲۳/۵ هزار میلیارد ریال بوده است. همچنین مجموع مانده اعتبار اسنادی بانکی شرکت‌های بوری مذکور در این تاریخ حدود ۷/۱ هزار میلیارد ریال بوده است. به عبارت دیگر کل ارزش مانده تعهدات بانکی (مجموع ارزش ضمانت‌نامه و اعتبار اسنادی) شرکت‌های صنعت غذایی در تاریخ مذکور به حدود ۳۰/۶ هزار میلیارد ریال بالغ می‌شود. در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۴، ارزش تعهدات ارزی رفع‌نشده منقضی‌شده شرکت‌های صنعت غذایی مورد بررسی، حدود ۴۰/۵ میلیون یورو بوده است. همچنین متوسط «نسبت تعهدات ارزی رفع‌نشده منقضی‌شده به کل تعهدات ارزی» کمتر از یک درصد است. با این حال بررسی آمارها نشان می‌دهد میزان تعهدات ارزی رفع‌نشده این شرکت‌ها در مقایسه با برخی صنایع واردات‌محور دیگر از جمله صنعت دارو در سطح پایین‌تری قرار داشته که بیانگر عملکرد مناسب‌تر آنها در ایفای تعهدات ارزی است.

صنعت مواد غذایی ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و سیاستی مواجه است که مهمترین آنها به نظام قیمت‌گذاری و مداخلات گسترده دولت در زنجیره تولید باز می‌گردد. سیاست‌های خرید تضمینی محصولات کشاورزی و قیمت‌گذاری دستوری محصولات غذایی، ضمن ایجاد اختلال در سیگنال‌های بازار، موجب کاهش انگیزه تولید محصولات کشاورزی راهبردی، نوسان در تأمین مواد اولیه، افزایش فشار مالی بر دولت و کاهش درآمد کشاورزان شده است. از سوی دیگر، تغییرات اقلیمی، کاهش منابع آبی و وابستگی تولیدات کشاورزی به شرایط جوی، ریسک تأمین پایدار نهاده‌های مورد نیاز صنایع غذایی را افزایش داده است. همچنین پایین بودن بهره‌وری بخش کشاورزی - ناشی از عواملی همچون خرد بودن اراضی و محدودیت استفاده از ماشین‌آلات پیشرفته و روش‌های نوین آبیاری - موجب افزایش هزینه‌های تولید و کاهش رقابت‌پذیری این صنعت شده است. در مجموع، رفع این چالش‌ها نیازمند حرکت از سیاست‌های حمایتی مبتنی بر کنترل قیمت به سمت سیاست‌های افزایش بهره‌وری، توسعه سرمایه‌گذاری و بهبود سازوکارهای بازار است.

فهرست

۱- مقدمه	۱۰
۲- صنعت مواد غذایی در جهان	۱۰
۲-۱- میزان غذای در دسترس افراد	۱۰
۲-۲- اشتغال در صنعت مواد غذایی	۱۲
۲-۳- ارزش تولید محصولات کشاورزی	۱۴
۳- حجم تولید محصولات کشاورزی در ایران	۱۵
۴- پیش‌بینی تولید و قیمت محصولات غذایی	۱۸
۵- تجارت محصولات کشاورزی-غذایی در ایران	۱۹
۵-۱- روند تجارت محصولات کشاورزی-غذایی	۱۹
۵-۲- ترکیب تجارت محصولات کشاورزی-غذایی ایران	۲۱
۶- محصولات غذایی کلیدی	۲۲
۶-۱- روغن خوراکی	۲۲
۶-۱-۱- تولید روغن خوراکی	۲۳
۶-۱-۲- تأمین مواد اولیه روغن خوراکی	۲۴
۶-۱-۳- ارزش فروش شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در سال ۱۴۰۳	۲۶
۶-۱-۴- ارزش فروش شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در نه ماهه نخست ۱۴۰۴	۲۷
۶-۱-۵- سود خالص، رشد سود خالص و حاشیه سود خالص شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در سال ۱۴۰۳	۲۸
۶-۲- قند و شکر	۲۹
۶-۲-۱- تولید و تجارت قند و شکر در ایران	۲۹
۶-۲-۲- فروش و سودآوری شرکت‌های بورسی تولیدکننده قند و شکر در سال ۱۴۰۳	۳۱
۶-۲-۳- فروش و سودآوری شرکت‌های بورسی تولیدکننده قند و شکر در نه ماهه نخست ۱۴۰۴	۳۳
۷- مانده وجوه نقد بانکی (پایان آذر ۱۴۰۴)	۳۴
۸- مانده تسهیلات (۱۸ اسفند ۱۴۰۴)	۳۵
۹- مانده کل تعهدات (مجموع ضمانت‌نامه و اعتبارات اسنادی)	۳۶
۱۰- تعهدات ارزی رفع‌نشده منقضی‌شده (۱۸ اسفند ۱۴۰۴)	۳۷
۱۱- نسبت‌های مالی	۳۷

۴۲.....	۱۲- چالش‌ها
۴۲.....	۱۲-۱- سازوکار خرید تضمینی محصولات کشاورزی
۴۲.....	۱۲-۱-۱- تاریخچه سیاست خرید تضمینی در ایران و جهان
۴۲.....	۱۲-۱-۲- پیامدهای سیاست خرید تضمینی محصولات کشاورزی در ایران
۴۵.....	۱۲-۲- قیمت‌گذاری دستوری نهاده‌ها و محصولات تولیدی
۴۶.....	۱۲-۲-۱- پیامدهای قیمت‌گذاری دستوری در صنعت مواد غذایی
۴۸.....	۱۲-۳- خشکسالی و تغییرات اقلیمی
۴۹.....	۱۲-۴- پایین بودن بهره‌وری تولید محصولات کشاورزی در ایران
۵۱.....	۱۲-۵- پیشنهادات سیاستی
۵۳.....	۱۳- نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای صنعت غذایی

نمودارها

۱۱.....	نمودار ۱- متوسط کالری قابل دسترس هر نفر در روز از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳
۱۴.....	نمودار ۲- ارزش تولید محصولات کشاورزی جهان از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۲۳ (به قیمت‌های ثابت ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶)
۱۵.....	نمودار ۳- روند تولید محصولات کشاورزی ایران در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳
۱۶.....	نمودار ۴- سهم محصولات کشاورزی تولیدشده در سال ۱۴۰۳*
۱۶.....	نمودار ۵- سهم محصولات کشاورزی تولیدشده در سال ۱۳۸۵
۲۰.....	نمودار ۶- ارزش صادرات، واردات و تراز تجاری محصولات کشاورزی-غذایی ایران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳
۲۳.....	نمودار ۷- مقدار تولید روغن خوراکی در ایران
۲۵.....	نمودار ۸- حجم واردات دانه‌های روغنی و روغن نباتی به کشور در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳
۲۶.....	نمودار ۹- ارزش واردات دانه‌های روغنی و روغن نباتی به ایران از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳
۲۷.....	نمودار ۱۰- ارزش و رشد ارزش فروش شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳
۳۰.....	نمودار ۱۱- مجموع تولید قند و شکر در ایران از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳
۳۱.....	نمودار ۱۲- حجم واردات شکر به کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳
۳۳.....	نمودار ۱۳- ارزش و رشد ارزش فروش شرکت‌های بورسی تولیدکننده قند و شکر در نه ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴

جداول

- جدول ۱- متوسط کالری قابل دسترس در جهان در قاره‌های مختلف در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳..... ۱۲
- جدول ۲- جمعیت شاغلان بخش کشاورزی-غذایی جهان در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۲۲ (میلیون نفر-درصد)..... ۱۳
- جدول ۳- ارزش تولید محصولات کشاورزی مناطق مختلف جهان (میلیارد دلار به قیمت‌های ثابت سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶)..... ۱۵
- جدول ۴- تفکیک ارزش و سهم واردات و صادرات محصولات کشاورزی-غذایی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۴۰۳ (میلیون دلار- درصد)..... ۲۲
- جدول ۵- سهم حجم فروش بزرگترین شرکت‌های تولیدکننده روغن خوراکی ایران از کل حجم فروش روغن در ایران در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (درصد)..... ۲۴
- جدول ۶- فروش و سودآوری شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در نه ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (هزار میلیارد ریال)..... ۲۸
- جدول ۷- ارزش و رشد ارزش سود خالص شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳..... ۲۸
- جدول ۸- خلاصه فروش، سودآوری و حاشیه سود خالص شرکت‌های تولیدکننده روغن خوراکی بورسی (هزار میلیارد ریال- درصد)..... ۲۹
- جدول ۹- فروش و سودآوری شرکت‌های تولیدکننده قند و شکر مورد بررسی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ (هزار میلیارد ریال)..... ۳۲
- جدول ۱۰- ارزش و رشد ارزش سود خالص شرکت‌های بورسی تولیدکننده قند و شکر در نه ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (هزار میلیارد ریال)..... ۳۴
- جدول ۱۱- مانده وجوه نقد شرکت‌های صنعت غذایی در پایان آذر ماه ۱۴۰۴..... ۳۵
- جدول ۱۲- نسبت‌های نقدینگی و فعالیت شرکت‌های صنعت غذایی بورسی در سال ۱۴۰۳..... ۴۰
- جدول ۱۳- نسبت‌های سرمایه‌گذاری و سودآوری شرکت‌های صنعت غذایی بورسی در سال ۱۴۰۳ (درصد)..... ۴۱

۱- مقدمه

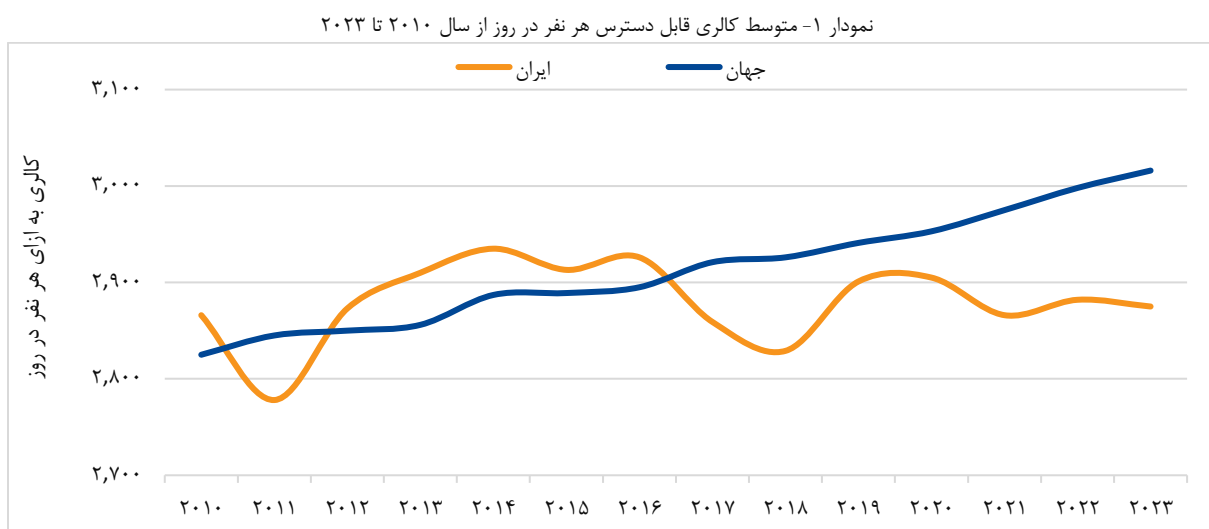
صنعت مواد غذایی یکی از بزرگ‌ترین و حیاتی‌ترین صنایع جهان است و نقش آن در امنیت غذایی، سلامت عمومی و پایداری اقتصادی کشورها انکارناپذیر است. طبق گزارش سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، زنجیره تأمین غذا بیش از یک سوم کل نیروی کار جهان را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به خود اختصاص می‌دهد و حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان به این بخش وابسته است. این صنعت سالانه غذا را برای جمعیت رو به رشد جهان که طبق پیش‌بینی سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۹/۷ میلیارد نفر خواهد رسید، تأمین می‌کند. از سوی دیگر، صنعت غذایی در حفظ ثبات و امنیت جامعه نقشی حیاتی ایفا می‌کند. امنیت غذایی یکی از ارکان اصلی امنیت ملی کشورها است و اختلال در تولید، واردات یا توزیع مواد غذایی می‌تواند پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی گسترده‌ای ایجاد کند. در بسیاری از کشورها، افزایش ناگهانی قیمت مواد غذایی یا کمبود کالاهای اساسی، به سرعت بر رفاه خانوارها، نرخ فقر و نابرابری اثر می‌گذارد و می‌تواند بی‌ثباتی اجتماعی ایجاد کند. به گزارش فائو، هر گونه کاهش در دسترسی مردم به غذای کافی و سالم، مستقیماً سلامت عمومی، بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، یک صنعت غذایی پایدار و کارآمد، تضمین می‌کند که جامعه حتی در شرایط بحرانی به منابع غذایی مطمئن دسترسی داشته باشد. به همین دلیل، سرمایه‌گذاری در صنایع غذایی، نه فقط یک ضرورت اقتصادی، بلکه بخشی از راهبرد کلان کشورها برای تاب‌آوری اجتماعی و امنیت ملی محسوب می‌شود. بنابراین بررسی صنعت مواد غذایی ایران و جهان نه تنها برای درک وضعیت کنونی تولید، مصرف، تجارت و فناوری این صنعت ضروری است، بلکه برای تحلیل ریسک‌ها، شناسایی فرصت‌های اقتصادی، طراحی سیاست‌های امنیت غذایی و توسعه مسیرهای پایدار نیز اهمیت دارد.

۲- صنعت مواد غذایی در جهان

۲-۱- میزان غذای در دسترس افراد

شاخص کالری در دسترس، یکی از معتبرترین معیارهای سنجش وضعیت تغذیه و رفاه جامعه است. این شاخص نشان می‌دهد که چه مقدار غذا از طریق تولید داخلی، واردات و نظام توزیع در اختیار مردم قرار می‌گیرد. هر چه سطح کالری عرضه‌شده برای هر نفر بیشتر باشد، نشان‌دهنده آن است که جامعه از ظرفیت اقتصادی و زیرساختی بالاتری برای تأمین غذای کافی برخوردار است. افزایش این شاخص معمولاً نشان‌دهنده بهبود درآمد خانوارها، گسترش شبکه‌های توزیع و ارتقای بهره‌وری بخش کشاورزی است. بنابراین افزایش میزان غذای عرضه‌شده یا کالری قابل دسترس به ازای هر نفر را می‌توان نشانه بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش دسترسی گروه‌های مختلف جمعیتی به منابع غذایی تلقی کرد که نشان‌دهنده ارتقای رفاه اقتصادی در سطح کلان است.

تحقیقات بین‌المللی به روشنی تأیید می‌کنند که یک رابطه مثبت قوی میان درآمد سرانه و میزان مصرف مواد غذایی در جهان وجود دارد. به عبارت دیگر، رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه یک کشور معمولاً با بهبود تغذیه و افزایش مصرف مواد غذایی همراه است. این رابطه در مطالعات مختلف مشاهده شده و به عنوان بخشی از «گذار تغذیه‌ای» شناخته می‌شود که طی آن هم مقدار کالری مصرفی و هم کیفیت رژیم غذایی با رشد درآمد بهتر می‌شود.^۱ از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۳، متوسط کالری قابل دسترس در جهان از ۲,۸۴۵ کالری به ازای هر نفر در روز با رشد مرکب سالانه ۰/۵ درصدی به ۳,۰۱۶ کالری به ازای هر نفر در روز رسیده است. وقتی داده‌های بلندمدت را مد نظر قرار می‌دهیم، متوسط جهانی کالری قابل دسترس برای هر نفر در روز از سال ۱۹۶۱ تا سال ۲۰۲۳ معادل ۳۷/۱ درصد افزایش یافته است. از سوی دیگر تولید ناخالص داخلی سرانه جهان بر اساس شاخص قدرت برابری خرید در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ حدود ۲۸/۳ درصد افزایش یافته است که از نرخ رشد مرکب سالانه ۱/۹ درصدی حکایت دارد. در مورد ایران شاخص کالری قابل دسترس به ازای هر نفر در روز از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۳ دائماً در نوسان بوده و به طور خالص در این مدت رشد اندکی یافته است تا در سال ۲۰۲۳ به ۲,۸۷۵ کالری به ازای هر نفر در روز برسد.^۲ به این ترتیب مردم ایران که در سال‌های دور و نزدیک، عمدتاً نسبت به متوسط جهان در وضعیت غذایی بهتری بودند، در سال‌های اخیر از این منظر به پایین‌تر از متوسط جهان سقوط کرده‌اند. نمودار ۱ متوسط کالری قابل دسترس هر نفر در روز را از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ برای ایران و متوسط جهان نشان می‌دهد.



مأخذ: سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد

داده‌های دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ نشان می‌دهند که میزان کالری در دسترس در سطح جهان در همه قاره‌ها افزایش یافته، اما شدت این افزایش بین مناطق مختلف متفاوت بوده است. قاره آسیا با رشد ۱۱/۰ درصدی بیشترین افزایش را ثبت کرده و دلیل اصلی آن رشد قابل توجه تولید ناخالص داخلی چین و هند و در نتیجه افزایش ظرفیت

۱. FAO, global and regional food consumption patterns and trends

۲. World Bank

تولید و واردات غذا، بهبود زیرساخت‌های توزیع و کاهش نابرابری در دسترسی به غذا در این کشورها بوده است. بنابراین عمده افزایش کالری در دسترس در قاره آسیا مربوط به شرق این قاره با رشد ۱۳/۹ درصدی است و این درحالی است که این شاخص برای غرب آسیا نه تنها افزایش نیافته، بلکه حدود ۱/۳ درصد نیز کاهش یافته است. میزان کالری در دسترس در قاره آفریقا طی سال‌های اخیر تقریباً بدون رشد باقی مانده است. این وضعیت ناشی از مجموعه‌ای از عوامل ساختاری از جمله رشد اقتصادی محدود، ناکارآمدی و ضعف شبکه‌های حمل‌ونقل و توزیع غذا، وقوع مکرر خشکسالی‌ها، جنگ و بی‌ثباتی‌های داخلی و افزایش سریع جمعیت است. قاره آمریکا در این مدت با رشد ۴/۹ درصدی این شاخص همراه بوده و اروپا و اقیانوسیه نیز رشد اندکی را تجربه کرده‌اند، چرا که سطح کالری در دسترس در آنها در سطوح بالایی بوده و تغییر در درآمد یا تولید اثر محدودی بر افزایش عرضه سرانه غذا دارد. جدول ۱ متوسط کالری قابل دسترس در جهان در قاره‌های مختلف را در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ نشان می‌دهد.

جدول ۱- متوسط کالری قابل دسترس در جهان در قاره‌های مختلف در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳

قاره	۲۰۱۰	۲۰۲۳	درصد تغییرات ۲۰۲۳ به ۲۰۱۰
آسیا	۲,۶۹۴	۲,۹۹۱	۱۱/۰
اروپا	۳,۳۷۹	۳,۴۹۰	۳/۳
آفریقا	۲,۵۴۹	۲,۵۵۶	۰/۳
آمریکا	۳,۲۷۷	۳,۴۳۶	۴/۹
استرالیا و اقیانوسیه	۳,۴۵۴	۳,۴۹۰	۱/۰

مأخذ: سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد

۲-۲- اشتغال در صنعت مواد غذایی

بخش غذا و کشاورزی یکی از بنیادی‌ترین ارکان اقتصاد جهانی و از مهمترین منابع ایجاد اشتغال در جهان به شمار می‌آید. از آنجا که تمامی کشورها به نوعی در تولید غذا و کشاورزی مشارکت دارند، این بخش نقشی فراگیر در تأمین معیشت خانوارها ایفا می‌کند و میلیون‌ها شغل مستقیم در مراحل مختلف تولید، فرآوری و توزیع ایجاد می‌کند. اهمیت اشتغال در این حوزه تنها به حجم نیروی کار محدود نمی‌شود، بلکه به دلیل پیوندهای پسین و پیشین گسترده با سایر بخش‌ها، اثرات قابل توجهی بر رشد اقتصادی و ثبات اجتماعی دارد. در بسیاری از کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط، بخش غذا و کشاورزی همچنان ستون فقرات بازار کار محسوب می‌شود و سهم بالایی از اشتغال را به خود اختصاص می‌دهد.

صنایع غذایی جهان طی دهه‌های اخیر با دگرگونی‌های ساختاری روبه‌رو شده‌اند که مستقیماً بر اشتغال این صنعت اثرگذار بوده است. جهت کلی این تغییرات، خروج تدریجی نیروی کار از کشاورزی و رشد فرصت‌ها در بخش‌های پایین‌دست و میانی زنجیره ارزش (تجارت، فرآوری، ذخیره‌سازی، زیرساخت و خدمات مالی مرتبط با غذا) است. در ادبیات فائو، اصطلاح کشاورزی-غذایی (Agri-Food) به مجموعه‌ای بسیار گسترده‌تر از «کشاورزی» یا

«صنعت غذا» اشاره دارد و در حقیقت بیانگر کل نظام غذایی است. به عبارت دیگر این اصطلاح یعنی همه فعالیت‌هایی که باعث می‌شوند غذا در مزرعه تولید شود، از مراحل فرآوری و توزیع عبور کند و در نهایت به سفره مصرف‌کننده برسد. فائو از این واژه زمانی استفاده می‌کند که می‌خواهد کل زنجیره ارزش غذا (از تولید اولیه تا پردازش صنعتی و تجارت و مصرف) را به عنوان یک سیستم واحد مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. در سال ۲۰۲۲، در حدود ۱/۳ میلیارد نفر در بخش کشاورزی-غذایی در جهان مشغول به کار بوده‌اند که از این مقدار حدود ۸۹۵ میلیون نفر در تولید بخش کشاورزی (شامل کشاورزی، دامداری، جنگلداری، ماهیگیری، آبریزپروری و شکار) و حدود ۴۴۲ میلیون نفر در مشاغل خارج از مزرعه در سراسر زنجیره تأمین کشاورزی-غذایی، از جمله فرآوری و خدمات غذایی مشغول به کار بوده‌اند.^۱

تحلیل تحولات بازار کار در بخش کشاورزی-غذایی جهان طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ میلادی حاکی از تغییر ساختاری قابل توجه در توزیع نیروی کار است. نتایج نشان می‌دهد که در طول این دوره اشتغال در بخش کشاورزی با کاهش ۱۴/۶ درصدی همراه بوده، در حالی که اشتغال در بخش‌های غیرکشاورزی مرتبط با زنجیره غذایی رشدی معادل ۳۵/۱ درصدی را ثبت کرده است. این روند را می‌توان ناشی از پیشرفت فناوری، مکانیزاسیون فعالیت‌های کشاورزی، افزایش بهره‌وری عوامل تولید و همچنین تغییر الگوی تقاضای مصرف‌کنندگان به سمت محصولات غذایی فرآوری‌شده دانست. از سوی دیگر در بازه زمانی مورد بررسی، سهم زنان از اشتغال در بخش کشاورزی-غذایی از ۳۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۶ درصد در سال ۲۰۲۲ تقلیل یافته است. جدول ۲ جمعیت شاغلان بخش کشاورزی-غذایی جهان را در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۲۲ نشان می‌دهد. نکته قابل توجه دیگر در این زمینه رشد منفی اشتغال کل بخش کشاورزی-غذایی در فاصله سال‌های مورد بررسی است که از کاهش نقش اشتغال آفرینی این بخش در گذر زمان حکایت دارد.

جدول ۲- جمعیت شاغلان بخش کشاورزی-غذایی جهان در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۲۲ (میلیون نفر-درصد)

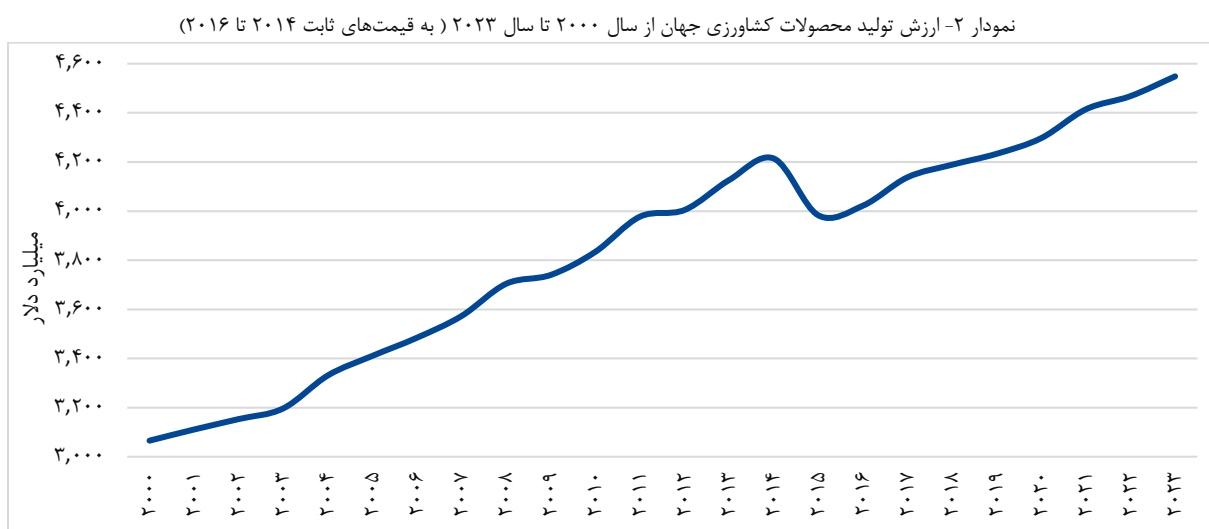
درصد تغییر تعداد شاغلان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲	سهم شاغلان هر بخش در سال ۲۰۲۲	تعداد شاغلان در سال ۲۰۲۲	سهم شاغلان هر بخش در سال ۲۰۰۰	تعداد شاغلان در سال ۲۰۰۰	
۳۵/۱	۳۳/۰	۴۴۲	۲۳/۸	۳۲۷	بخش غیرکشاورزی صنعت غذایی
-۱۴/۶	۶۷/۰	۸۹۵	۷۶/۲	۱,۰۴۸	بخش کشاورزی
-۲/۸	۱۰۰/۰	۱,۳۳۷	۱۰۰/۰	۱,۳۷۵	کل شاغلان بخش کشاورزی-غذایی

مأخذ: سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد

۱. International Labour Organization (ILO), promotion of decent work and a just transition, including skills development and lifelong learning, in the food and beverage industry, January ۲۰۲۰.

۳-۲- ارزش تولید محصولات کشاورزی

آمارهای ارزش کل تولید محصولات کشاورزی جهان طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ به قیمت‌های ثابت سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که این متغیر با نرخ رشد مرکب سالانه ۱/۷ درصدی، از ۳,۰۶۵ میلیارد دلار به ۴,۵۴۸ میلیارد دلار افزایش یافته است. افزایش جمعیت جهان اگرچه یکی از محرک‌های اصلی رشد تولید محصولات کشاورزی جهان در این دوره محسوب می‌شود، اما نرخ رشد مرکب سالانه جمعیت جهان در این بازه زمانی حدود ۱/۲ درصد بوده که کمتر از نرخ رشد تولید محصولات کشاورزی است. این تفاوت می‌تواند نشان دهد که افزایش تولید محصولات کشاورزی صرفاً ناشی از رشد جمعیت نبوده، بلکه عواملی نظیر افزایش دسترسی افراد به کالری و مواد غذایی بیشتر، تغییر الگوی مصرف غذایی به سمت محصولات فرآوری‌شده و پرکالری و با ارزش افزوده بالاتر و همچنین افزایش ضایعات محصولات کشاورزی در این روند نقش داشته‌اند. نمودار ۲ ارزش تولید محصولات کشاورزی جهان را از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ نشان می‌دهد.



مأخذ: سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد

روند رشد تولید محصولات کشاورزی در سطح جهانی در مناطق مختلف جهان به صورت یکنواخت و متقارن نبوده است. شواهد آماری منتشرشده توسط فائو نشان می‌دهند که طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳، قاره آفریقا با رشدی معادل ۱۱۱/۸ درصد و قاره آسیا با رشد ۷۵/۹ درصدی، بیشترین افزایش ارزش تولید محصولات کشاورزی به قیمت‌های ثابت را به خود اختصاص داده‌اند. رشد سریع‌تر ارزش تولید محصولات کشاورزی در آسیا و آفریقا نسبت به متوسط جهانی، موجب افزایش سهم این دو قاره از تولید جهانی و کاهش سهم نسبی سایر مناطق شده است. به طور مشخص، سهم قاره آسیا از حدود ۵۰/۳ درصد در ابتدای دوره به حدود ۵۹/۶ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است. جدول ۳ ارزش تولید محصولات کشاورزی را در مناطق مختلف جهان نشان می‌دهد.

جدول ۳- ارزش تولید محصولات کشاورزی مناطق مختلف جهان (میلیارد دلار به قیمت‌های ثابت سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶)

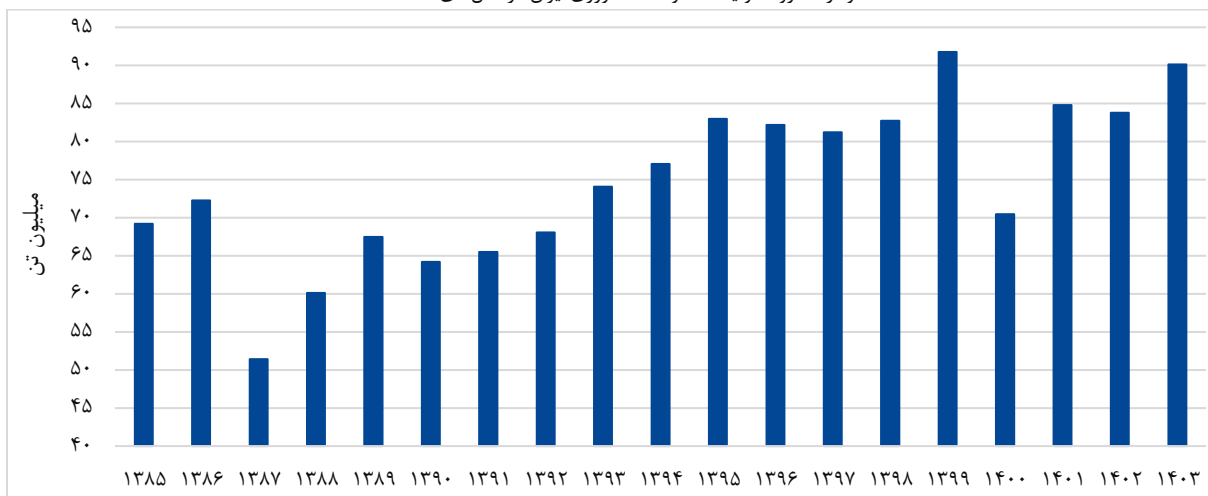
سال / مناطق	جهان	آفریقا	اروپا	آمریکا	اقیانوسیه	آسیا
۲۰۰۰	۳,۰۶۵	۱۷۶	۴۷۵	۸۲۵	۴۸	۱,۵۴۲
۲۰۲۳	۴,۵۴۸	۳۷۳	۵۲۷	۸۶۹	۶۷	۲,۷۱۲
درصد تغییر ۲۰۲۳ نسبت به ۲۰۰۰	۴۸/۴	۱۱۱/۸	۱۱/۰	۵/۳	۴۱/۴	۷۵/۹
نرخ رشد مرکب سالانه (درصد)	۱/۷	۳/۳	۰/۵	۰/۲	۱/۵	۲/۵

مأخذ: سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد

۳- حجم تولید محصولات کشاورزی در ایران

بر اساس آمارهای وزارت جهاد کشاورزی، حجم تولید کل محصولات کشاورزی کشور از ۶۹/۲ میلیون تن در سال ۱۳۸۵ با نرخ رشد مرکب سالانه ۱/۵ درصد به ۹۰/۱ میلیون تن در سال ۱۴۰۳ رسیده است. تولید محصولات کشاورزی و به ویژه غلات ارتباط معناداری با میزان بارش‌های سالانه در کشور دارد. تغییرات در حجم بارندگی به طور مستقیم بر سطح زیر کشت و عملکرد محصول اثر می‌گذارد و موجب نوسان در میزان تولید می‌شود. افت تولید کشاورزی در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۴۰۰ عمدتاً نتیجه شوک‌های اقلیمی و خشکسالی بوده است. داده‌های مرکز ملی پایش و هشدار خشکسالی نشان می‌دهد که در سال آبی ۱۴۰۲ - ۱۴۰۱ متوسط بارندگی کشور ۲۳/۹ درصد نسبت به متوسط بلندمدت و در سال ۱۳۸۷ نیز ۳۲/۹ درصد نسبت به متوسط بلندمدت کاهش یافته است. نمودار ۳ تولید محصولات کشاورزی ایران را در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.

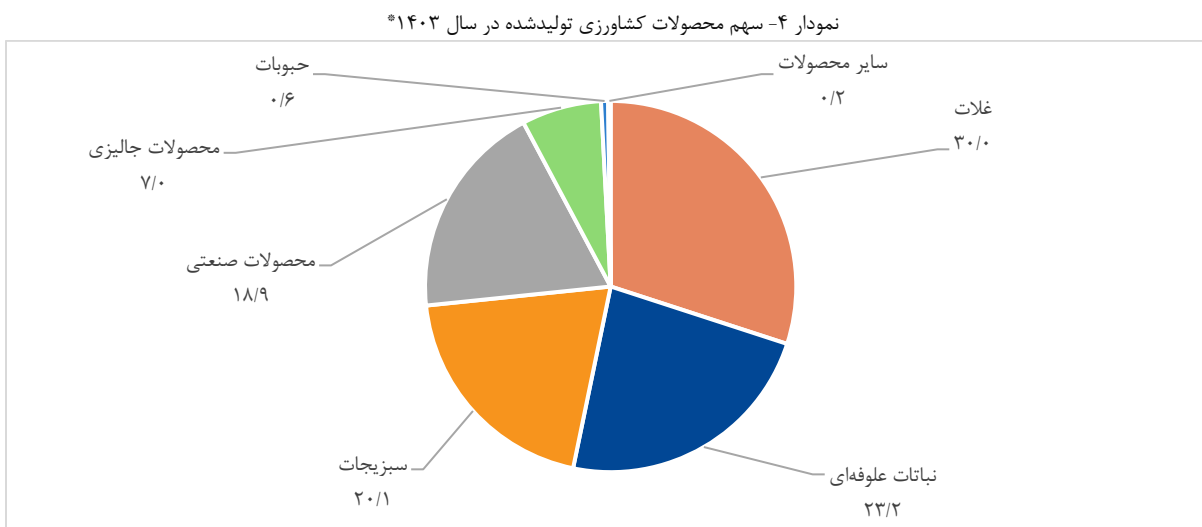
نمودار ۳- روند تولید محصولات کشاورزی ایران در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳



مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی

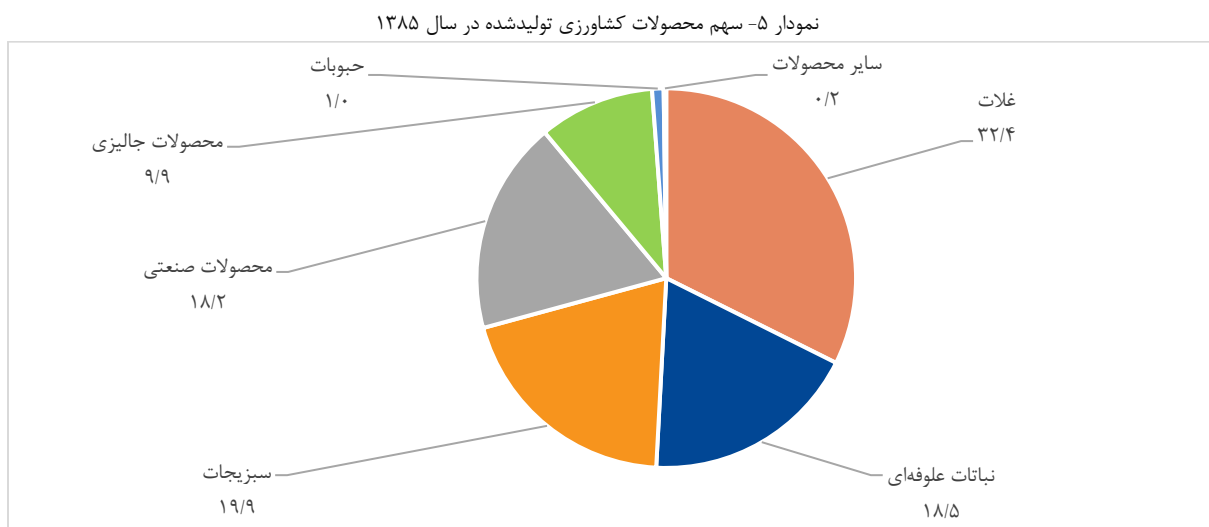
از مجموع ۹۰/۱ میلیون تن تولید محصولات کشاورزی کشور در سال ۱۴۰۳، غلات با ۳۰/۰ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. از ۲۷/۰ میلیون تن غلات تولیدشده، ۱۸/۶ میلیون تن به گندم، ۳/۸ میلیون تن به جو و ۳/۶ میلیون تن به برنج اختصاص داشته و مابقی مربوط به سایر غلات بوده است. با وجود کاهش بارندگی

در سال‌های اخیر، تولید محصول آب‌بری همچون برنج در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۳۸۵ حدود ۳۶/۳ درصد افزایش یافته است. در عین حال هر چند تولید کل غلات نسبت به سال ۱۳۸۵ حدود ۲۰/۸ درصد رشد داشته، اما سهم آن از کل تولید کشاورزی ۲/۴ واحد درصد کاهش یافته است. از سوی دیگر، نباتات علوفه‌ای که عمدتاً برای خوراک دام و طیور استفاده می‌شوند با سهم ۲۳/۲ درصدی در جایگاه دوم از نظر حجم تولید قرار دارند و سهم آن‌ها طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳ حدود ۴/۸ واحد درصد افزایش یافته است. نمودارهای ۴ و ۵ سهم وزنی حجم محصولات کشاورزی تولیدشده را در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۳۸۵ نشان می‌دهند.



مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی

* نباتات علوفه‌ای عمدتاً شامل ذرت علوفه‌ای و پونجه جهت مصارف دام و طیور، محصولات جالبزی عمدتاً شامل صیفی جات (هندوانه و خربزه) و محصولات صنعتی نیز عمدتاً شامل دانه‌های روغنی و چغندر قند می‌شوند.



مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی

طبق داده‌های فائو، در سال ۲۰۲۳ حدود ۱۳/۳ درصد از مواد غذایی جهان پس از برداشت و پیش از ورود به مرحله خرده‌فروشی اتلاف شده است. این میزان نسبت به سال ۲۰۱۵ که حدود ۱۳ درصد بوده، تغییر محسوسی نداشته است. همچنین کمترین نرخ اتلاف در آمریکای شمالی و اروپا با حدود ۱۰ درصد و بیشترین نرخ در آفریقای جنوبی با حدود ۲۳ درصد گزارش شده است. در میان گروه‌های کالایی نیز میوه و سبزیجات با ۲۵/۴ درصد بیشترین و غلات و حبوبات با ۸/۴ درصد کمترین میزان اتلاف را داشته‌اند.^۱

بر اساس گزارش «شاخص هدررفت مواد غذایی سازمان ملل»، در سال ۲۰۲۲ حدود ۱/۱ میلیارد تن غذا در جهان در بخش‌های خانوار، خدمات غذایی و خرده‌فروشی هدر رفته است.^۲ این میزان معادل ۱۳۲ کیلوگرم به ازای هر نفر در سال و حدود ۱۹ درصد غذای در دسترس مصرف‌کنندگان است. از این مقدار، ۶۳۱ میلیون تن مربوط به خانوارها، ۲۹۰ میلیون تن مربوط به خدمات غذایی و ۱۳۱ میلیون تن مربوط به خرده‌فروشی بوده است.

بر اساس این گزارش میزان هدررفت مواد غذایی در ایران در بخش خانوار ۹۳ کیلوگرم به ازای هر نفر در سال برآورد شده که معادل حدود ۸/۲ میلیون تن در سال است. همچنین، هدررفت مواد غذایی در بخش خدمات غذایی و خرده‌فروشی به ترتیب ۳۲ و ۱۰ کیلوگرم به ازای هر نفر، معادل ۲/۹ میلیون تن و ۸۵۷ هزار تن در سال گزارش شده است. در مجموع، سالانه حدود ۱۱/۹ میلیون تن مواد غذایی در این سه بخش در کشور هدر می‌رود که سهم خانوارها از آن به مراتب بیشتر از سایر بخش‌ها است. لازم به ذکر است که آمارهای گزارش «شاخص هدررفت مواد غذایی» صرفاً مربوط به بخش‌های خرده‌فروشی، خدمات غذایی و خانوار است و کل زنجیره تولید تا مصرف را شامل نمی‌شود. به عبارت دیگر، این آمار مربوط به مرحله پایانی زنجیره است و شامل ضایعات مزرعه، حمل‌ونقل، انبارداری، سردخانه، بسته‌بندی و فرآوری نهایی نمی‌شود. در مقابل، آمارهای منتشر شده در خبرگزاری‌های داخل ایران معمولاً کل زنجیره «از مزرعه تا سفره» را مبنای محاسبه قرار می‌دهند. برای نمونه، به نقل از رییس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد از ۱۳۳ میلیون تن محصولات تولیدی ایران دچار ضایعات و اسراف می‌شود که معادل حدود ۳۳ تا ۴۰ میلیون تن در سال است.^۳

۱. FAO, SDG Indicators Data Portal

۲. United Nations Environment Programme (UNEP); Food Waste Index Report ۲۰۲۴

۳. خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۴۳۶۱۱۹۳

۴- پیش‌بینی تولید و قیمت محصولات غذایی

بررسی پیش‌بینی‌های معتبر بین‌المللی نشان می‌دهد که بازار جهانی محصولات غذایی در سال‌های آینده با دو روند همزمان مواجه خواهد بود. از یک سو، گزارش مشترک سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) و سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO)^۱ و از سوی دیگر گزارش بانک جهانی^۲ نشان می‌دهد که تولید جهانی محصولات کشاورزی و غذایی در افق سال‌های ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۵ همچنان رشد خواهد کرد و بخش مهمی از این رشد ناشی از افزایش بهره‌وری، بهبود فناوری تولید و افزایش تولید در آسیا، آمریکای لاتین و آفریقای جنوب صحرا خواهد بود. بنابراین از منظر بلندمدت، انتظار نمی‌رود بازار جهانی غذا با کمبود ساختاری فراگیر مواجه شود. البته افزایش عرضه محصولات کشاورزی لزوماً به معنای ثبات قیمت‌ها نیست. بازار جهانی غذا همچنان در معرض ریسک‌های متعددی از جمله تغییرات اقلیمی، افزایش قیمت انرژی و کود، اختلال در زنجیره حمل‌ونقل، تنش‌های ژئوپلیتیکی و سیاست‌های محدودکننده تجاری قرار دارد که می‌توانند موجب نوسانات قیمتی شوند. پیش‌بینی‌های بانک جهانی نشان می‌دهند که در کوتاه‌مدت قیمت جهانی مواد غذایی در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ مسیر افزایشی ملایمی دارد. پیش‌بینی می‌شود شاخص قیمت غذای بانک جهانی در سال ۲۰۲۶ حدود ۲/۴ درصد و در سال ۲۰۲۷ حدود ۱/۳ درصد در مقیاس سالانه افزایش یابد. در میان محصولات استراتژیک، قیمت گندم آمریکا از ۲۴۳ دلار در هر تن در سال ۲۰۲۵ به ۲۵۳ دلار در سال ۲۰۲۶ و ۲۶۰ دلار در سال ۲۰۲۷ می‌رسد. قیمت سویا نیز از ۴۱۴ دلار در هر تن در سال ۲۰۲۵ به ۴۴۱ دلار در سال ۲۰۲۶ و ۴۴۶ دلار در سال ۲۰۲۷ افزایش می‌یابد. در بخش غلات، بانک جهانی پیش‌بینی کرده است که تولید جهانی غلات در سال ۲۰۲۶ حدود ۲/۰ درصد کاهش یابد و تولید جهانی گندم نیز در سال ۲۰۲۷ حدود ۳/۸ درصد کمتر شود. این موضوع می‌تواند بازار محصولات آردی، نان صنعتی، ماکارونی، بیسکویت و خوراک دام را تحت فشار قرار دهد. همچنین پیش‌بینی می‌شود که قیمت روغن سویا نیز از ۱،۱۴۰ دلار به ازای هر تن در سال ۲۰۲۵ به ۱،۲۳۳ دلار در سال ۲۰۲۶ و ۱،۲۳۶ دلار در سال ۲۰۲۷ افزایش یابد. از آنجا که بخش عمده مواد اولیه تولید روغن خوراکی در ایران از طریق واردات دانه‌های سویا و روغن خام تأمین می‌شود، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن‌اند که در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ افزایش قابل توجهی در قیمت جهانی این نهاده‌ها رخ نخواهد داد.

در مورد محصولات باغی، پیش‌بینی قیمت جهانی با ابهام بیشتری همراه است، زیرا این محصولات بازارهای محلی‌تر، فسادپذیری بالاتر و وابستگی بیشتری به اقلیم، آب، حمل‌ونقل و زنجیره سرد دارند. با این حال، داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهند که قیمت برخی اقلام شاخص مانند موز در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ تقریباً باثبات خواهد بود و قیمت پرتقال پس از کاهش در سال ۲۰۲۶، در سال ۲۰۲۷ اندکی افزایش می‌یابد. برای ایران، اما ریسک اصلی محصولات باغی بیش از آن که از قیمت جهانی ناشی شود، از بحران آب، خشکسالی، سرمازدگی، هزینه حمل‌ونقل، ضایعات بالا و محدودیت در زیرساخت‌های بسته‌بندی و نگهداری ناشی خواهد شد. نکته مهم

۱. OECD-FAO; Agricultural Outlook ۲۰۲۶-۲۰۳۵

۲. World Bank; Commodity Price Forecasts; April ۲۰۲۶

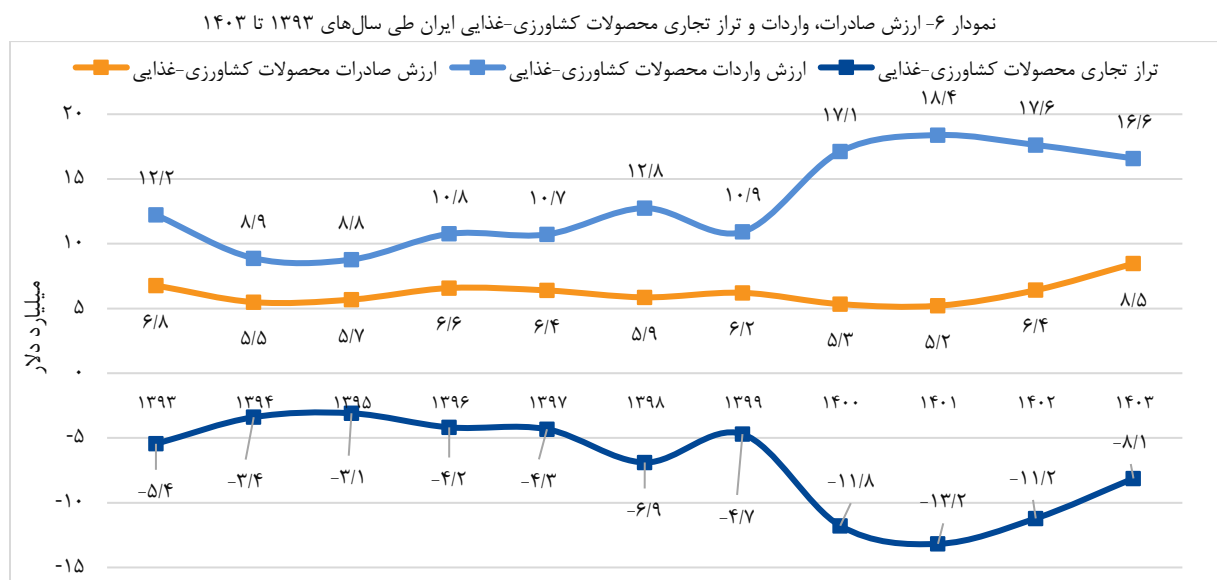
آن است که هزینه تولید غذا در سال‌های آینده بیش از گذشته به قیمت انرژی و کود شیمیایی وابسته خواهد بود. بانک جهانی پیش‌بینی کرده است که قیمت کودهای شیمیایی در سال ۲۰۲۶ بیش از ۳۰ درصد افزایش یابد و قیمت اوره به ۶۷۵ دلار در هر تن برسد. افزایش قیمت کود، به‌ویژه برای محصولاتی مانند گندم، ذرت، دانه‌های روغنی و برخی محصولات باغی می‌تواند هزینه تولید را افزایش دهد و از طریق قیمت مواد اولیه به صنایع غذایی منتقل شود. بر این اساس، حتی در شرایط ثبات نسبی قیمت جهانی برخی محصولات غذایی، افزایش هزینه نهاده‌های کشاورزی می‌تواند قیمت تمام‌شده محصولات غذایی را بالا نگه دارد. از سوی دیگر، بررسی سناریوهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در خصوص بحران خاورمیانه نشان می‌دهد که شوک قیمت نفت و انرژی، از طریق افزایش هزینه نهاده‌های تولید، به ویژه کودهای شیمیایی و انرژی، با وقفه زمانی به بازار محصولات کشاورزی منتقل می‌شود. بر اساس برآوردهای این گزارش، در سناریوی نفت ۱۱۵ دلاری، متوسط قیمت محصولات کشاورزی در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ به ترتیب ۴/۵ درصد و ۸/۳ درصد بالاتر از سناریوی پایه خواهد بود. در این میان، گندم به دلیل وابستگی بیشتر به کودهای نیتروژنی، بیشترین افزایش قیمت را تجربه خواهد کرد.

۵- تجارت محصولات کشاورزی- غذایی در ایران

۵-۱- روند تجارت محصولات کشاورزی- غذایی

روند تجارت محصولات کشاورزی- غذایی ایران در سال‌های اخیر حاکی از تغییر در ترکیب، ارزش و حجم این محصولات است. با توجه به نمودار ۶ در سال ۱۳۹۳ که تحریم‌های اقتصادی علیه کشور اعمال شده بود، واردات محصولات کشاورزی- غذایی با ارزش ۱۲/۲ میلیارد دلار بیش از صادرات ۶/۸ میلیارد دلاری همین محصولات بوده است. بر همین اساس، کسری تراز تجاری محصولات کشاورزی- غذایی در سال ۱۳۹۳ به ۵/۴ میلیارد دلار رسید. از سال ۱۳۹۴ با اجرایی شدن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، نشانه‌هایی از بهبود نسبی در شاخص‌های کلان اقتصادی و شرایط تجارت خارجی کشور مشاهده شد. با رفع تحریم‌های اقتصادی دسترسی به منابع ارزی و کانال‌های بانکی بین‌المللی تا حدودی تسهیل شد که این امر زمینه بهبود مبادلات تجاری را فراهم کرد. در نتیجه، صادرات محصولات کشاورزی- غذایی کشور طی این سال‌ها با رشد محدودی همراه شد و در سال ۱۳۹۶ ارزش صادرات این محصولات از مرز ۶/۶ میلیارد دلار نیز فراتر رفت. در مقابل، واردات این محصولات در همین بازه زمانی روندی کاهشی را تجربه کرد و به حدود ۱۰/۸ میلیارد دلار رسید. کسری تراز تجاری محصولات کشاورزی- غذایی ایران در سال ۱۳۹۵ به حدود ۳/۱ میلیارد دلار کاهش یافت که این رقم کمترین میزان کسری در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳ به شمار می‌رود. به طور کلی می‌توان گفت در فضای کم‌تنش‌تر پس‌ابرجام، بخش کشاورزی توانست از شرایط ایجادشده بهره‌مند شود و عملکردی نسبتاً باثبات و قابل قبول از خود نشان دهد. پس از خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌های اقتصادی در سال ۱۳۹۷، صادرات محصولات کشاورزی- غذایی کشور که پیش از این از روندی باثبات و رو به رشد برخوردار بود، در نتیجه محدودیت‌های ارزی و موانع نقل‌وانتقالات

مالی و البته سیاست‌های تجاری از قبیل ممنوعیت صادرات، با رکود و کاهش نسبی مواجه شد. از سوی دیگر با وجود تشدید تحریم‌های اقتصادی، واردات محصولات کشاورزی-غذایی کاهش محسوسی را تجربه نکرد، چرا که غذا از معافیت تحریمی برخوردار بود و ارز با نرخ ترجیحی برای واردات بخش قابل توجهی از این محصولات تخصیص داده می‌شد. بنابراین تأمین بخش عمده‌ای از نیازهای اساسی کشور نظیر کالاهای ضروری، نهاده‌های دامی و غلات، وابسته به واردات باقی ماند. این تحولات منجر به تعمیق کسری تراز تجاری و گسترش شکاف میان ارزش صادرات و واردات از سال ۱۳۹۷ تا سال ۱۴۰۳ شد. در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱، این شکاف به اوج خود رسید به گونه‌ای که واردات در این بازه زمانی با رشد چشمگیری همراه بود و در سال ۱۴۰۱ به حدود ۱۸/۴ میلیارد دلار بالغ شد. این در حالی است که ارزش صادرات این محصولات در سال ۱۴۰۱ به ۵/۲ میلیارد دلار تقلیل یافت که کمترین مقدار در بازه زمانی مورد بررسی است. برآیند تحولات یادشده منجر به شکل‌گیری کسری تجاری ۱۳/۲ میلیارد دلاری محصولات کشاورزی-غذایی در سال ۱۴۰۱ شد که بالاترین کسری تجاری در بازه زمانی مورد بررسی به شمار می‌رود. در نه ماهه نخست سال ۱۴۰۴ کسری تراز تجاری محصولات کشاورزی-غذایی ایران حدود ۶/۷ میلیارد دلار ثبت شده است. این رقم ۰/۴ میلیارد دلار بیشتر از دوره مشابه سال قبل از آن است. عواملی نظیر تحریم‌های اقتصادی، خشکسالی، تغییر الگوی کشت داخلی، ساختار قیمت‌گذاری دستوری، تخصیص ارز ترجیحی و محدودیت در صادرات برخی از محصولات کشاورزی-غذایی باعث شدند تا کسری تراز تجاری این محصولات در سال‌های اخیر تشدید شود. نمودار ۶ ارزش صادرات، واردات و تراز تجاری محصولات کشاورزی-غذایی ایران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳ را نشان می‌دهد.



مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی

۲-۵- ترکیب تجارت محصولات کشاورزی-غذایی ایران

در سال ۱۴۰۳ محصولات زراعی - عمدتاً شامل برنج، گندم، جو، ذرت و دانه‌های روغنی - حدود ۷۲/۷ درصد از کل واردات ایران در بخش کشاورزی را تشکیل داده‌اند. پس از آن محصولات باغی - عمدتاً شامل انواع میوه، قهوه، کاکائو و چای - با سهم ۱۱/۵ درصدی در جایگاه دوم قرار گرفته‌اند. همچنین صادرات عمدتاً متکی به محصولات باغی بوده است. عمده محصولات صادراتی شامل محصولات باغی با ۴/۳ میلیارد دلار (به ویژه پسته با ۱/۶ میلیارد دلار) و محصولات لبنی با ۱/۱ میلیارد دلار بوده است.

بررسی آمارنامه کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی نشان می‌دهد که ترکیب واردات و صادرات محصولات کشاورزی-غذایی در فاصله سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ با تغییرات قابل توجهی همراه بوده است. در این بازه زمانی ارزش واردات ذرت با افزایش ۱۱۰/۸ درصدی به ۳/۰۳ میلیارد دلار، ارزش واردات برنج با افزایش ۹۸/۴ درصدی به ۱/۳۵ میلیارد دلار و ارزش واردات جو با افزایش ۳۳/۸ درصدی به ۵۹۸ میلیون دلار رسیده، در حالی که واردات گندم ۶۹/۰ درصد کاهش یافته است. ترکیب واردات محصولات کشاورزی-غذایی نشان می‌دهد که سهم غالب منابع ارزی به نهاده‌های دامی و مواد اولیه روغن خوراکی اختصاص یافته و این امر بیانگر وابستگی ساختاری کشور در این حوزه‌ها است، اگرچه سیاست‌های ارزی در این زمینه بی‌تأثیر نبوده‌اند. واردات انواع خوراک دام (شامل انواع کنجاله، ذرت دامی و جو دامی) در سال ۱۴۰۳ از نظر ارزشی ۶۴/۲ درصد از ارزش کل واردات و از نظر وزنی ۳۳/۵ درصد از وزن کل واردات محصولات کشاورزی-غذایی را تشکیل داده است. واردات انواع خوراک دام در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۳۹۴ از لحاظ ارزش دلاری و وزنی به ترتیب ۱۱۴/۴ درصد و ۷۰/۲ درصد افزایش یافته است. دانه‌های روغنی در سال ۱۴۰۳ معادل ۱۰/۰ درصد از ارزش کل واردات محصولات کشاورزی-غذایی را به خود اختصاص داده‌اند. سیاست قیمت‌گذاری دستوری موجب شده است که کشاورزان به سمت کشت محصولاتی با قیمت‌گذاری آزاد و قابلیت صادرات مانند صیفی‌جات سوق یابند. از یک سو دولت با اعمال محدودیت‌های صادراتی^۱ و ایفای نقش خریدار انحصاری و تعیین‌کننده قیمت تضمینی، عملاً سازوکار قیمت‌گذاری این محصولات را در اختیار دارد. از آنجایی که تجهیز زیرساخت‌های ذخیره‌سازی راهبردی نظیر احداث سیلو و انبارهای استاندارد مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان و پرهزینه است، ورود بخش خصوصی محلی به این حوزه عملاً با محدودیت جدی مواجه می‌شود. همچنین مصرف‌کنندگان عمده این محصولات با دسترسی به ارز یارانه‌ای قادرند نیاز خود را از طریق واردات و حتی با قیمتی پایین‌تر از تولید داخلی تأمین کنند. بنابراین بخش خصوصی انگیزه چندانی برای ورود به این بازار ندارد. در چنین ساختاری، بخش دولتی به عنوان تنها بازیگر دارای توان مالی و ابزار سیاستی، نقش اصلی سرمایه‌گذار در زیرساخت‌های انباری و همچنین خریدار و تنظیم‌کننده بازار را بر عهده می‌گیرد و عملاً کنترل فرآیند خرید در بازار داخلی را مدیریت می‌کند. در چنین شرایطی پایین‌تر بودن قیمت‌های تضمینی نسبت به قیمت جهانی در بسیاری از سال‌ها سبب کاهش انگیزه تولید و تغییر الگوی کشت به سمت محصولات سودآورتر

۱. گمرک ایران به صورت سالانه فهرستی از کالاهای مشمول ممنوعیت صادرات منتشر می‌کند که در آن برخی از اقلام نظیر گندم، دانه‌های روغنی و ذرت با ممنوعیت صادرات و برخی کالاهای دیگر همانند برنج با عوارض صادراتی قابل توجهی مواجه‌اند.

شده است. جدول ۴ به تفکیک سهم واردات و صادرات محصولات کشاورزی-غذایی را در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.

جدول ۴- تفکیک ارزش و سهم واردات و صادرات محصولات کشاورزی-غذایی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۴۰۳ (میلیون دلار- درصد)

محصولات	واردات				صادرات		
	ارزش واردات ۱۳۹۴	سهم از ارزش واردات ۱۳۹۴	ارزش واردات ۱۴۰۳	سهم از ارزش واردات ۱۴۰۳	ارزش صادرات ۱۳۹۴	سهم از ارزش صادرات ۱۳۹۴	ارزش صادرات ۱۴۰۳
زراعی	۶,۴۶۶	۷۲/۸	۱۲,۰۵۸	۷۲/۷	۱,۴۱۴	۲۶/۰	۲,۱۹۱
باغی	۱,۳۹۳	۱۵/۷	۱,۹۱۲	۱۱/۵	۲,۵۰۳	۴۶/۰	۴,۲۸۶
شیلات	۱۴۷	۱/۷	۱۰۸	۰/۶	۲۳۵	۴/۳	۴۰۱
دام و طیور	۷۹۵	۸/۹	۱,۷۳۷	۱۰/۵	۱,۲۴۲	۲۲/۸	۱,۵۰۱
سایر	۸۴	۰/۹	۷۷۴	۴/۷	۵۳	۱/۰	۸۴
جمع	۸,۸۸۵	۱۰۰/۰	۱۶,۵۸۸	۱۰۰/۰	۵,۴۴۷	۱۰۰/۰	۸,۴۶۳

مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی

۶- محصولات غذایی کلیدی

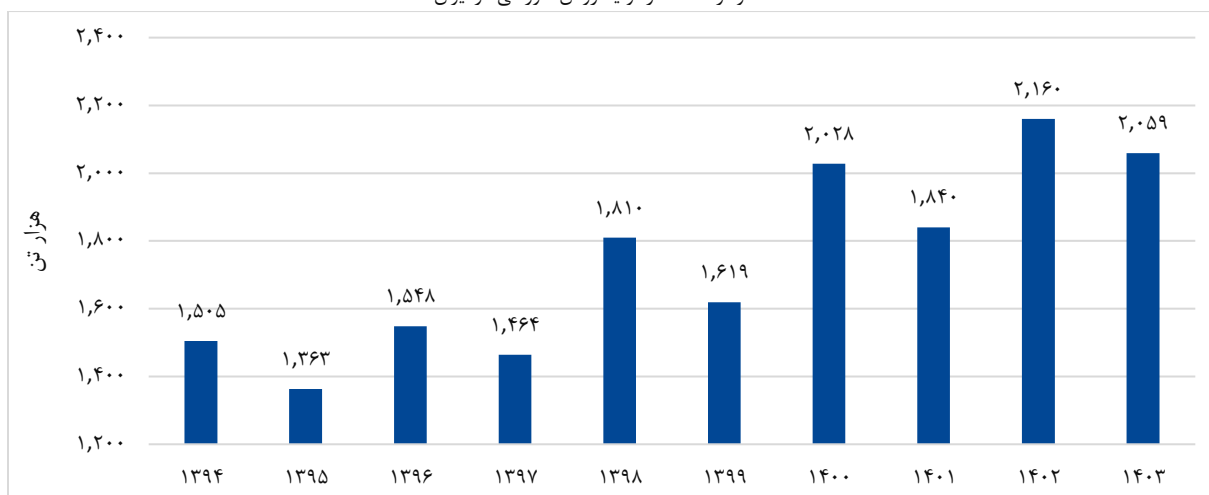
۶-۱- روغن خوراکی

روغن خوراکی یکی از ستون‌های اصلی امنیت غذایی و صنایع تبدیلی در جهان محسوب می‌شود. این محصول نه تنها تأمین‌کننده یکی از اساسی‌ترین مواد خوراکی مورد نیاز خانوارها است، بلکه در تولید سایر محصولات غذایی، آرایشی-بهداشتی، دارویی و حتی سوخت‌های زیستی نقش حیاتی ایفا می‌کند. روغن خوراکی در صنعت غذایی در تولید محصولاتی مانند مارگارین، انواع سس‌ها از جمله مایونز، انواع کنسرو، شیرینی‌جات و اسنک‌ها کاربرد گسترده دارد. در صنایع آرایشی و بهداشتی، روغن پایه بسیاری از کرم‌ها، لوسیون‌ها، صابون‌ها و شامپوها است. در صنایع داروسازی، روغن به عنوان حامل در برخی داروها و مکمل‌ها و نیز در تولید محصولات بهداشتی استفاده می‌شود. حتی پسماندها و فرآورده‌های جانبی روغن خوراکی نیز ارزش‌آفرین هستند. برای مثال کنجاله حاصل از استخراج روغن (مانند کنجاله سویا) به عنوان منبع غنی پروتئین در صنایع دام، طیور و آبزیان استفاده می‌شود. همچنین روغن‌های کارکرده یا برخی روغن‌های خاص (مانند روغن پالم) در تولید سوخت‌های زیستی (بیودیزل) به کار می‌روند. این پیوند عمیق با صنایع پایین‌دستی، روغن خوراکی را به یک کالای استراتژیک چندمنظوره تبدیل کرده که رونق یا رکود در آن مستقیماً بر بسیاری از بخش‌های اقتصادی اثر می‌گذارد.

۱-۱-۶- تولید روغن خوراکی

مقدار تولید روغن خوراکی ایران از یک میلیون و ۵۰۵ هزار تن در سال ۱۳۹۴ با رشد ۳۶/۸ درصدی به ۲ میلیون و ۵۹ هزار تن در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است. این میزان تولید روغن خوراکی، کشور ایران را در جایگاه هفدهم جهان در این زمینه قرار داده است. روند تولید روغن خوراکی در ایران طی سال‌های اخیر به طور قابل توجهی به سمت افزایش سهم روغن‌های مایع و کاهش سهم روغن‌های جامد حرکت کرده است. این تغییر ساختاری عمدتاً تحت تأثیر سیاست‌های سلامت‌محور، محدودیت‌های اعمال‌شده بر مصرف اسیدهای چرب ترانس و افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان نسبت به پیامدهای سلامتی روغن‌های جامد رخ داده است. بر اساس آمارهای انجمن صنفی صنایع روغن نباتی ایران، در سال ۱۴۰۳ حدود ۶۵/۴ درصد از تولید روغن خوراکی کشور را روغن‌های مایع (نظیر روغن سویا، آفتابگردان، کلزا و ذرت) و حدود ۳۴/۶ درصد را روغن‌های جامد و نیمه‌جامد تشکیل می‌دهند. این در حالی است که در دهه‌های گذشته، ترکیب تولید به مراتب متوازن‌تر بوده و روغن‌های جامد سهم بیشتری در سبد مصرفی خانوار داشتند. نمودار ۷ مقدار تولید روغن خوراکی را در ایران از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.

نمودار ۷- مقدار تولید روغن خوراکی در ایران



مأخذ: وزارت صنعت، معدن و تجارت

در سال ۱۴۰۴ در ساختار بازار روغن خوراکی ایران، شرکت بهشهر با برندهای «بهار» و «لادن» با سهم ۱۸/۱ درصدی و شرکت صنعت غذایی کورش با برندهای «اویلا»، «فامیلا» و «کیمبال» با سهم ۱۲/۲ درصدی از حجم فروش انواع روغن خوراکی، به عنوان بزرگترین تولیدکنندگان روغن خوراکی بازار فعالیت دارند. علاوه بر این، سه شرکت «طبیعت سبز پارس کهن»، «کشت و صنعت شمال» و مارگارین نیز در زمره بازیگران اصلی صنعت قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که این پنج شرکت در مجموع بیش از نیمی از حجم فروش روغن خوراکی کشور را در اختیار دارند. این تمرکز نسبی در ساختار بازار نشان می‌دهد که صنعت روغن خوراکی ایران با تمرکز متوسط رو به بالا مواجه است و بخش عمده ظرفیت پالایش، تصفیه و بسته‌بندی در اختیار چند بنگاه بزرگ قرار دارد. چنین ساختاری سبب می‌شود قدرت چانه‌زنی این بنگاه‌ها در سیاست‌های تنظیم بازار، تخصیص ارز ترجیحی برای واردات

روغن خام و دانه‌های روغنی و همچنین تصمیمات مرتبط با قیمت‌گذاری افزایش یابد. جدول ۵ بزرگترین تولیدکنندگان روغن خوراکی ایران را در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ نشان می‌دهد.

جدول ۵- سهم حجم فروش بزرگترین شرکت‌های تولیدکننده روغن خوراکی ایران از کل حجم فروش روغن در ایران در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (درصد)

شرکت	۱۴۰۴			۱۴۰۳		
	روغن خوراکی مایع	روغن خوراکی جامد و نیمه جامد	کل	روغن خوراکی مایع	روغن خوراکی جامد و نیمه جامد	کل
صنعتی بهشهر	۱۳/۰	۲۸/۳	۱۸/۱	۱۲/۷	۳۱/۹	۱۹/۰
صنعت غذایی کورش	۱۵/۶	۵/۵	۱۲/۲	۱۸/۸	۶/۲	۱۴/۷
طبیعت سبز پارس کهن	۱۰/۶	۶/۱	۹/۱	۱۰/۴	۶/۰	۹/۰
کشت و صنعت شمال	۷/۰	۸/۹	۷/۶	۱۰/۳	۱۰/۰	۱۰/۲
مارگارین	۲/۴	۶/۹	۳/۹	۲/۴	۶/۶	۳/۷
مجموع	۴۸/۵	۵۵/۷	۵۰/۹	۵۴/۶	۶۰/۶	۵۶/۶

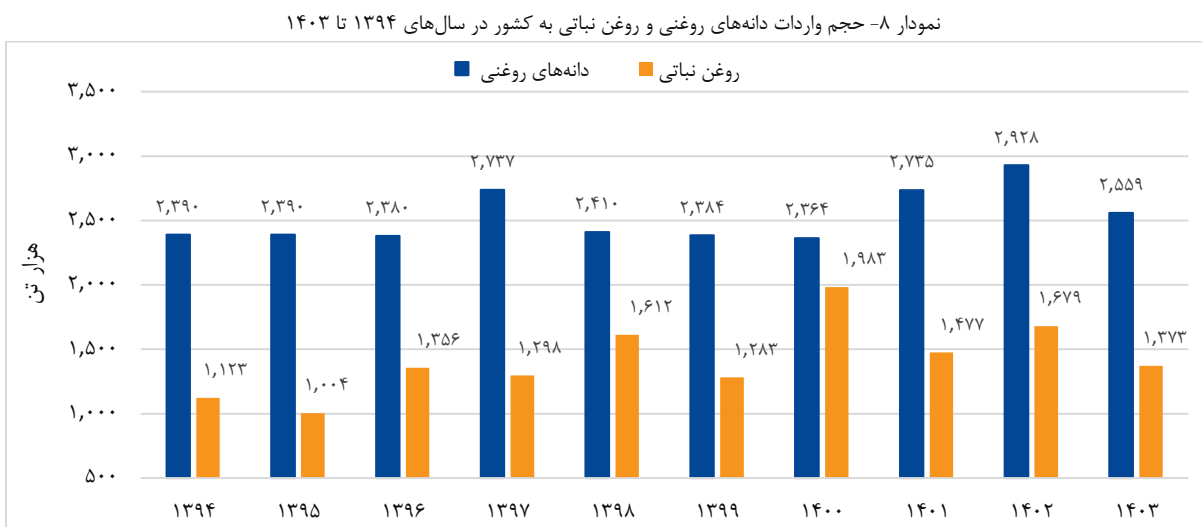
مأخذ: گزارش تفسیری شرکت صنعت غذایی کورش برگرفته از سامانه کدال

۲-۱-۲- تأمین مواد اولیه روغن خوراکی

روغن‌های خوراکی عمدتاً از دانه‌های روغنی گیاهی نظیر کلزا، آفتابگردان، سویا و ذرت تولید می‌شوند که پس از فرآیندهای روغن‌کشی، تصفیه، هیدروژناسیون (در صورت تولید روغن‌های جامد) و بسته‌بندی به عنوان یکی از اقلام اساسی سبد مصرف خانوار عرضه می‌شوند. کیفیت و ترکیب اسیدهای چرب این دانه‌ها نقش مهمی در ارزش تغذیه‌ای روغن‌های خوراکی دارد و به همین دلیل، انتخاب نوع دانه روغنی و فناوری فرآوری آن از اهمیت بالایی در سیاست‌گذاری‌های غذایی برخوردار است. در سال‌های اخیر نیز به دلیل ملاحظات سلامت‌محور، گرایش به استفاده از دانه‌هایی با اسیدهای چرب غیراشباع افزایش یافته است. به طور کلی، پایداری تولید روغن خوراکی در هر کشور به دسترسی مستمر، اقتصادی و باکیفیت به این مواد اولیه وابسته است.

در ایران محدودیت‌های اقلیمی، کمبود منابع آب، بهره‌وری پایین در کشت دانه‌های روغنی و رقابت این محصولات با سایر محصولات اساسی کشاورزی موجب شده است که تولید داخلی دانه‌های روغنی به میزان تولید روغن خوراکی نباشد. در نتیجه، بخش قابل توجهی از نیاز مواد اولیه صنایع روغن خوراکی از طریق واردات دانه‌های روغنی یا واردات روغن خام خوراکی تأمین می‌شود. آمارهای انجمن صنفی صنایع روغن نباتی ایران نشان می‌دهد که حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد مواد اولیه مورد استفاده در صنعت روغن خوراکی کشور وابسته به واردات است. بر اساس آمارهای وزارت جهاد کشاورزی در سال ۱۴۰۳ حدود یک میلیون و ۳۷۳ هزار تن انواع روغن نباتی و ۲ میلیون و ۵۵۹ هزار تن دانه‌های روغنی وارد کشور شده است. بخش عمده واردات روغن نباتی به صورت خام و نیمه‌خام انجام می‌شود که در واحدهای صنعتی داخلی به روغن تصفیه‌شده و قابل مصرف تبدیل می‌شود. حدود ۳۰ درصد از روغن وارداتی را روغن پالم تشکیل می‌دهد که به دلیل ترکیب اسیدهای چرب آن در سال‌های اخیر با محدودیت‌هایی در واردات مواجه شده است. از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ به طور متوسط سالانه حدود ۲/۵ میلیون

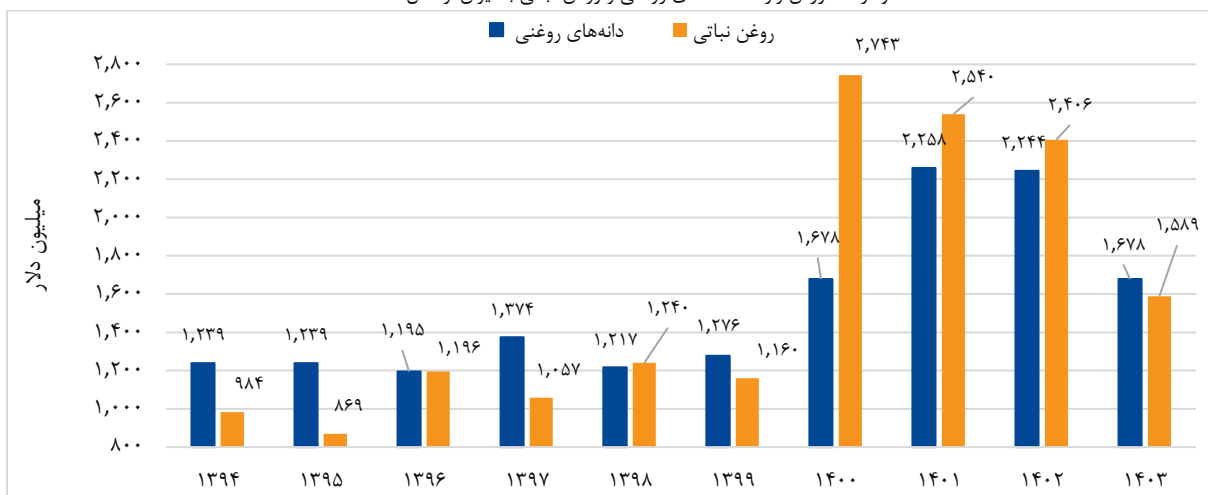
تن دانه‌های روغنی و ۱/۴ میلیون تن روغن نباتی به کشور وارد شده است. نمودار ۸ حجم واردات دانه‌های روغنی و روغن نباتی به کشور را در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.



مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی و گمرک ایران

بر پایه آمارهای رسمی وزارت جهاد کشاورزی در سال ۱۴۰۳ حدود یک میلیارد و ۶۷۸ میلیون دلار انواع دانه‌های روغنی و یک میلیارد و ۵۸۹ میلیون دلار روغن نباتی وارد کشور شده است. در میان دانه‌های روغنی وارداتی، سهم دانه سویا بیش از ۸۱ درصد بوده که نشان‌دهنده تمرکز بالای واردات بر این محصول است. روند افزایشی ارزش واردات در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ نسبت به سال‌های پیش از آن عمدتاً ناشی از افزایش قیمت‌های جهانی دانه‌های روغنی بوده است. به طور خاص در سال ۱۴۰۰ قیمت جهانی دانه سویا به عنوان مهم‌ترین دانه روغنی وارداتی بیش از ۳۵ درصد نسبت به سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است که تأثیر مستقیمی بر رشد ارزش دلاری واردات این اقلام داشته است. در بازه ده ساله منتهی به ۱۴۰۳، در مجموع به طور متوسط سالانه حدود ۳/۱ میلیارد دلار دانه‌های روغنی و روغن نباتی به کشور وارد شده است که با توجه به تخصیص ارز ترجیحی به این حوزه رقم قابل توجهی است. نمودار ۹ ارزش واردات دانه‌های روغنی و روغن نباتی به ایران را از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.

نمودار ۹- ارزش واردات دانه‌های روغنی و روغن نباتی به ایران از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳

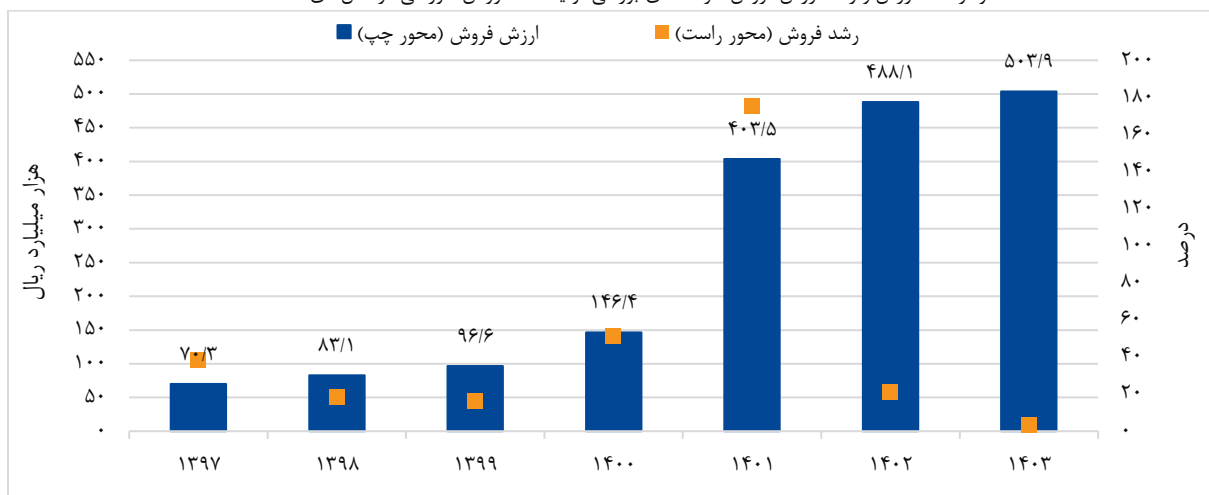


مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی و گمرک ایران

۳-۱-۶- ارزش فروش شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در سال ۱۴۰۳

مجموع ارزش فروش شش شرکت بورسی تولیدکننده روغن خوراکی ایران از ۴۸۷/۹ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۲ با حدود ۳/۲ درصد افزایش به ۵۰۳/۶ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۳ بالغ شد. افزایش ۱۷۵/۶ درصدی ارزش فروش شرکت‌های مذکور در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ عمدتاً به دلیل افزایش تغییر نرخ ارز ترجیحی واردات مواد اولیه در این سال و متعاقباً افزایش قیمت محصولات این شرکت‌ها بوده است. در این مدت متوسط قیمت روغن مایع ۹۰۰ گرمی در بازار ایران از ۲۱۶ هزار ریال با بیش از سه برابر افزایش به ۷۲۱ هزار ریال رسید. همچنین در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ نیز افزایش محسوسی در قیمت روغن خوراکی مشاهده شد که عمدتاً ناشی از رشد قیمت جهانی دانه‌های روغنی بود. با افزایش نرخ ارز ترجیحی در دی ماه ۱۴۰۴، متوسط قیمت هر بطری روغن ۹۰۰ گرمی از ۹۳۵ هزار ریال با رشد ۱۲۰ درصدی، به حدود ۲,۰۵۸ هزار ریال رسید. این مهم می‌تواند در سال ۱۴۰۵ به جهش قابل توجه در ارزش فروش شرکت‌های تولیدکننده روغن منجر شود. نمودار ۱۰ ارزش و رشد ارزش فروش شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی را در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.

نمودار ۱۰- ارزش و رشد ارزش فروش شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳



مأخذ: صورت‌های مالی حسابرسی‌شده برگرفته از سامانه کدال

۴-۱-۶- ارزش فروش شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در نه ماهه نخست ۱۴۰۴

مجموع ارزش فروش شش شرکت بورسی تولیدکننده روغن خوراکی ایران از ۳۶۹/۹ هزار میلیارد ریال در نه ماهه نخست ۱۴۰۳ با حدود ۴۸/۶ درصد افزایش به ۵۴۹/۵ هزار میلیارد ریال در نه ماهه نخست سال ۱۴۰۴ بالغ شد. از سوی دیگر، سود خالص شش شرکت تولیدکننده روغن خوراکی در نه ماهه نخست سال ۱۴۰۴ رشد چشمگیر ۶۹۲ درصدی را تجربه کرده است. افزایش چشمگیر ارزش سود خالص شرکت‌های تولیدکننده روغن خوراکی لزوماً به معنای رشد متناسب در عملکرد عملیاتی این شرکت‌ها نیست، بلکه بخش مهمی از آن به پایین بودن سودآوری در دوره مشابه سال قبل بازمی‌گردد. متوسط نسبت ارزش سود خالص به ارزش فروش این شرکت‌ها از ۲/۴ درصد در نه ماهه نخست سال ۱۴۰۳ به حدود ۱۳/۰ درصد در مدت مشابه سال ۱۴۰۴ افزایش یافته است. از این رو، بخش قابل توجهی از رشد چشمگیر سودآوری شرکت‌های تولید روغن مورد بررسی را می‌توان ناشی از پایین بودن سطح سودآوری در سال پایه دانست. همچنین بخشی از افزایش سودآوری این شرکت‌ها به رشد قیمت روغن خوراکی مربوط می‌شود، به نحوی که متوسط قیمت محصولات آنها در آذر ماه ۱۴۰۴ نسبت به ماه مشابه سال قبل از آن حدود ۸۲/۷ درصد افزایش یافته است. به همین دلیل حتی با وجود این که مجموع حجم فروش شرکت‌های تولیدکننده روغن خوراکی مورد بررسی در نه ماهه نخست سال ۱۴۰۴ با کاهش مواجه بوده، مجموع درآمد این شرکت‌ها افزایش یافته است. برای مثال، شرکت صنعت غذایی کورش با وجود کاهش ۳۰/۸ درصدی حجم فروش، افزایش ۱۷/۰ درصدی ارزش فروش را در این مدت تجربه کرده است. جدول ۶ فروش و سودآوری شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی را در نه ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ نشان می‌دهد.

جدول ۶- فروش و سودآوری شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در نه ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (هزار میلیارد ریال)

شرکت	فروش نه ماهه			سود خالص نه ماهه		
	۱۴۰۳	۱۴۰۴	درصد تغییر	۱۴۰۳	۱۴۰۴	درصد تغییر
صنعتی بهشهر	۱۳۷/۱	۲۵۵/۷	۸۶/۶	-۱/۴	۱۲/۸	-
صنعت غذایی کورش	۱۷۰/۰	۱۹۹/۰	۱۷/۰	۱۱/۵	۴۰/۲	۲۴۸/۵
صنعتی بهپاک	۲۶/۵	۳۲/۳	۲۱/۹	۲/۶	۱۲/۵	۳۸۴/۹
کارخانجات پنبه و دانه‌های روغنی خراسان	۱۰/۶	۲۷/۶	۱۵۹/۴	۰/۹	۲/۴	۱۶۶/۶
مارگارین	۱۸/۰	۲۲/۸	۲۶/۴	-۵/۳	۱/۹	-
نوش پونه مشهد	۷/۷	۱۲/۲	۵۸/۸	۰/۷	۱/۷	۱۲۴/۴
مجموع	۳۶۹/۹	۵۴۹/۵	۴۸/۶	۹/۰	۷۱/۴	۶۹۲/۰

مأخذ: صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای برگرفته از سامانه کدال

۵-۱-۶- سود خالص، رشد سود خالص و حاشیه سود خالص شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در سال

۱۴۰۳

مجموع سود خالص شش شرکت بورسی مورد بررسی از ۴۵/۶ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۲ با ۳۰/۰ درصد کاهش به ۳۱/۹ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۳ تقلیل یافت. داده‌های سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که سود خالص شرکت کارخانجات پنبه و دانه‌های روغنی خراسان ۱۴۰/۰ درصد و سود خالص شرکت صنعتی بهپاک ۳۹/۱ درصد رشد داشته است. با این وجود به دلیل کوچک بودن پایه ارزش سود خالص، کشش سودآوری این شرکت‌ها نسبت به تغییرات قیمت و فروش بالا است. از این رو نوسانات جزئی در متغیرهای بازار می‌تواند تغییرات قابل توجهی در عملکرد مالی آنها ایجاد کند. از سوی دیگر شرکت مارگارین در سال ۱۴۰۳ بیشترین افت سودآوری را تجربه کرده است. شدت این کاهش به گونه‌ای بوده است که سود خالص ثبت‌شده در سال ۱۴۰۲ به زیان خالص در سال ۱۴۰۳ تبدیل شده است. جدول ۷ ارزش و رشد ارزش سود خالص شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی را در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.

جدول ۷- ارزش و رشد ارزش سود خالص شرکت‌های بورسی تولیدکننده روغن خوراکی در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳

سال	ارزش سود خالص (هزار میلیارد ریال)	رشد سود خالص (درصد)
۱۳۹۷	۴/۶	۱۲۱/۷
۱۳۹۸	۷/۷	۶۷/۳
۱۳۹۹	۱۴/۵	۸۸/۰
۱۴۰۰	۱۶/۲	۱۱/۸
۱۴۰۱	۳۸/۳	۱۳۶/۴
۱۴۰۲	۴۵/۶	۱۹/۳
۱۴۰۳	۳۱/۹	-۳۰/۰

مأخذ: صورت‌های مالی حسابرسی شده برگرفته از سامانه کدال

با توجه به این که قیمت محصولات خارج از حیطه اختیارات شرکت‌ها بوده و به صورت دستوری تعیین و ابلاغ می‌شود، بسیاری از متغیرهای مؤثر بر سودآوری از جمله موقعیت جغرافیایی، دسترسی به نهاده‌های تولید و هزینه‌های سربار در فرآیند تعیین قیمت و متعاقباً سودآوری لحاظ نمی‌شوند. در سال ۱۴۰۳ متوسط حاشیه سود خالص شش شرکت تولیدکننده روغن خوراکی حاضر در بازار سرمایه که بیش از ۵۰ درصد از عرضه بازار را در اختیار دارند، حدود ۶/۳ درصد ثبت شده است. این میزان در مقایسه با بسیاری از صنایع دیگر رقم اندکی به شمار می‌آید و نشان‌دهنده محدودیت سودآوری در این صنعت است. بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های مذکور نشان می‌دهد که تنها دو شرکت صنعت غذایی کورش و صنعتی بهپاک به واسطه بهره‌مندی از صرفه‌های ناشی از مقیاس تولید توانسته‌اند حاشیه سود خالص بیش از ۱۰ درصد محقق کنند. سایر شرکت‌ها یا با زیان خالص مواجه بوده‌اند یا حاشیه سود اندکی را ثبت کرده‌اند که بیانگر فشار ساختاری بر سودآوری این صنعت است. جدول ۸ خلاصه فروش، سودآوری و حاشیه سود خالص شرکت‌های تولیدکننده روغن خوراکی بورسی را نشان می‌دهد.

جدول ۸- خلاصه فروش، سودآوری و حاشیه سود خالص شرکت‌های تولیدکننده روغن خوراکی بورسی (هزار میلیارد ریال - درصد)

حاشیه سود خالص در ۱۴۰۳	سود خالص			فروش			شرکت
	درصد تغییر	۱۴۰۳	۱۴۰۲	درصد تغییر	۱۴۰۳	۱۴۰۲	
۱۱/۲	-۲۱/۸	۲۵/۸	۳۳/۰	۳/۹	۲۳۱/۰	۲۲۲/۴	صنعت غذایی کورش
۲/۲	-۳۷/۹	۴/۳	۶/۹	۱/۲	۱۸۹/۷	۱۸۷/۵	صنعتی بهشهر
۱۶/۴	۳۹/۱	۵/۶	۴/۰	۴۲/۵	۳۳/۸	۲۳/۷	صنعتی بهپاک
-۲۲/۲	-	-۵/۶	۰/۶	-۱۷/۶	۲۵/۲	۳۰/۶	مارگارین
۷/۰	۱۴۰/۰	۱/۰	۰/۴	-۵/۶	۱۳/۸	۱۴/۶	کارخانجات پنبه و دانه‌های روغنی خراسان
۷/۸	۶/۸	۰/۸	۰/۷	۱۰/۶	۱۰/۱	۹/۱	نوش پونه مشهد
۶/۳	-۳۰/۰	۳۱/۹	۴۵/۶	۳/۲	۵۰۳/۶	۴۸۷/۹	مجموع

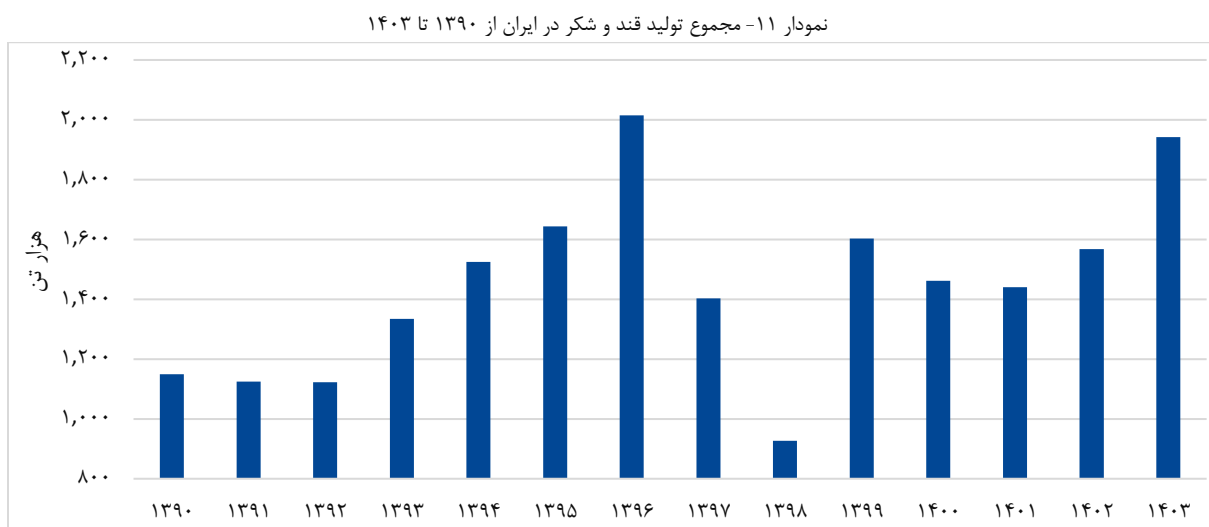
مأخذ: صورت‌های مالی حسابرسی‌شده برگرفته از سامانه کدال

۲-۲-۶- قند و شکر

۲-۲-۶-۱- تولید و تجارت قند و شکر در ایران

قند و شکر یکی از منابع اصلی تأمین انرژی سریع در سبد غذایی خانوار است و سهم قابل توجهی در کالری دریافتی روزانه به ویژه در اقشار متوسط و کم‌درآمد دارد. همچنین شکر به عنوان یک نهاده پایه، ماده اولیه حیاتی برای زیربخش‌های مختلف صنایع غذایی از جمله صنعت نوشیدنی، شیرینی و شکلات، کیک و بیسکویت، لبنیات طعم‌دار و صنایع کنسروی محسوب می‌شود. در نتیجه هرگونه اختلال در تولید یا واردات قند و شکر می‌تواند مستقیماً هزینه تولید این صنایع را افزایش داده و بر قیمت مصرف‌کننده نهایی اثر بگذارد. از این رو صنعت قند و شکر نقشی حیاتی در پایداری زنجیره تأمین صنایع غذایی و تنظیم بازار داخلی ایفا می‌کند. بر اساس آمارهای انجمن صنفی قند و شکر ایران تا پایان سال ۱۴۰۳ در مجموع ۴۱ شرکت تولیدکننده قند و شکر در ایران فعالیت

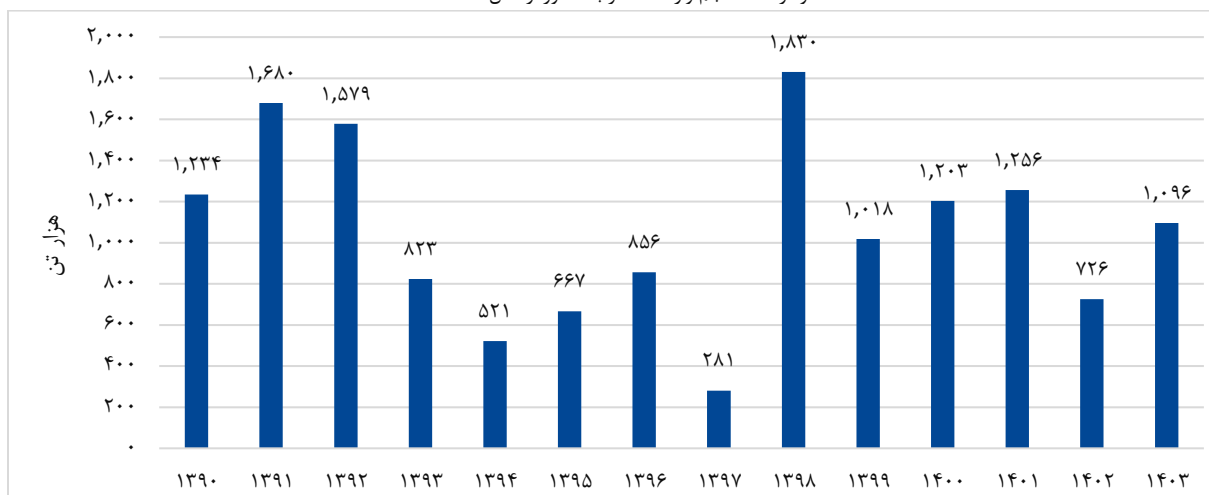
دارند که از این تعداد ۳۲ شرکت با ماده اولیه چغندر قند و ۹ شرکت با نیشکر به تولید می‌پردازند. مجموع تولید قند و شکر در ایران از یک میلیون و ۱۵۰ هزار تن در سال ۱۳۹۰ با رشد مرکب سالانه ۴/۱ درصدی به یک میلیون و ۹۴۳ هزار تن در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است. نمودار ۱۱ مجموع تولید قند و شکر در ایران را از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.



مأخذ: انجمن صنفی قند و شکر ایران

ساختار بازار قند و شکر ایران بیانگر وابستگی معنادار به واردات است. در سال ۱۴۰۳ حدود ۱/۱ میلیون تن قند و شکر به ارزش ۶۵۹ میلیون دلار وارد کشور شده که ۱۸/۷ درصد آن توسط دولت و مابقی توسط بخش خصوصی انجام شده است. روند واردات در سال‌های اخیر با نوسان همراه بوده، اما در بازه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ به طور متوسط حدود ۴۱/۰ درصد از نیاز بازار داخلی از طریق واردات تأمین شده است. در سال‌های اخیر نوسان حجم واردات شکر به کشور عمدتاً متأثر از میزان تولید داخلی، عوارض و مقررات گمرکی واردات و همچنین نحوه تخصیص ارز ترجیحی به این کالا بوده است. برای نمونه در سال ۱۳۹۷ به دلیل ممنوعیت واردات شکر، تنها حدود ۲۷۱ هزار تن شکر وارد کشور شد. با رفع این محدودیت در سال ۱۳۹۸، واردات این محصول افزایش قابل توجهی یافت و به رقم کم‌سابقه یک میلیون و ۸۳۰ هزار تن رسید. نمودار ۱۲ حجم واردات شکر به کشور را از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.

نمودار ۱۲- حجم واردات شکر به کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳



مأخذ: انجمن صنفی قند و شکر ایران

۲-۲-۲- فروش و سودآوری شرکت‌های بورسی تولیدکننده قند و شکر در سال ۱۴۰۳

مجموع ارزش فروش ۱۷ شرکت بورسی تولیدکننده قند و شکر ایران از ۱۸۵/۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۲ با حدود ۵۷/۳ درصد افزایش به ۲۹۱/۸ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۳ بالغ شد. برخلاف صنعت روغن خوراکی که رشد ارزش فروش شرکت‌های آن در سال ۱۴۰۳ عمدتاً ناشی از افزایش قیمت محصولات بود، بخش قابل توجهی از رشد فروش شرکت‌های قند و شکر از محل افزایش تولید و حجم فروش حاصل شد. بر اساس آمار انجمن صنفی قند و شکر ایران، تولید چغندر قند به عنوان مهم‌ترین ماده اولیه این صنعت در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۸ میلیون تن رسید که بالاترین سطح تولید در بیش از یک دهه گذشته محسوب می‌شود و این محصول تنها در سال ۱۳۹۲ از این رقم فراتر رفته بود. افزایش تولید چغندر قند ضمن تأمین پایدارتر مواد اولیه، موجب رشد تولید و فروش شرکت‌های قندی شده است به نحوی که حجم تولید شکر در سال ۱۴۰۳ حدود ۲۳/۹ درصد افزایش یافت. همچنین قیمت شکر در اسفند ۱۴۰۳ نسبت به اسفند ۱۴۰۲ حدود ۲۶ درصد افزایش یافت که کمتر از نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در همین دوره بود. از این رو می‌توان بخش مهمی از رشد درآمد و ارزش فروش شرکت‌های فعال در این صنعت را نتیجه بهبود شرایط تولید در بخش کشاورزی و افزایش دسترسی به مواد اولیه داخلی دانست. رشد واقعی این بخش اگرچه از رشد صرفاً اسمی در پی افزایش قیمت‌ها مثبت‌تر ارزیابی می‌شود، اما باید به خروجی نامطلوب این صنعت و تخریب منابع آبی و زیست‌محیطی نیز توجه داشت.

از سوی دیگر، مجموع سود خالص ۱۷ شرکت تولیدکننده قند و شکر مورد بررسی از ۲۵/۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۲ به ۴۲/۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته که بیانگر رشد ۶۵/۴ درصدی سودآوری شرکت‌های مورد بررسی است. این روند نشان می‌دهد بهبود تولید و افزایش فروش در کنار رشد قیمت محصولات، تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی شرکت‌های قندی داشته است. در میان شرکت‌های مورد بررسی، قند هگمتان و قند اصفهان با سود خالص ۵/۵ هزار میلیارد ریالی سودآورترین شرکت‌ها بوده‌اند، در حالی که قند شیرین خراسان با

زیان ۵۲۱ میلیارد ریالی ضعیف‌ترین عملکرد را به ثبت رسانده است. بررسی شاخص‌های سودآوری نشان می‌دهد حاشیه سود خالص تجمعی ۱۷ شرکت تولیدکننده قند و شکر در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۴/۴ درصد بوده است. مقایسه این شاخص با صنایع پتروشیمی، سیمان و فولاد نشان می‌دهد که صنعت قند و شکر با حاشیه سود کمتر و محدودیت‌های بیشتر در ایجاد سود مواجه است. پایین بودن حاشیه سود به این معنی است که افزایش درآمد شرکت‌ها تأثیر زیادی بر سودآوری نداشته و بخش مهمی از درآمدها صرف جبران هزینه‌های تولید، تأمین مواد اولیه و سایر هزینه‌های عملیاتی می‌شود. در این میان، قیمت‌گذاری دستوری یکی از مهمترین موانع سودآوری شرکت‌های تولیدکننده قند و شکر به شمار می‌رود. علاوه بر این فرسودگی خطوط تولید و پایین بودن بهره‌وری بسیاری از کارخانه‌ها، محدودیت‌های صادراتی و چالش‌های تأمین مواد اولیه از دیگر عواملی‌اند که مانع از افزایش حاشیه سود و بهبود عملکرد مالی شرکت‌های تولیدکننده قند و شکر شده‌اند. بر همین اساس پایداری سودآوری در این صنعت نیازمند آزادسازی قیمت محصولات در کنار آزادسازی تجاری و در عین حال انجام اصلاحات ساختاری و ارتقای بهره‌وری تولید برای بهبود رقابت‌پذیری است. جدول ۹ فروش و سودآوری شرکت‌های تولیدکننده قند و شکر مورد بررسی را در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.

جدول ۹- فروش و سودآوری شرکت‌های تولیدکننده قند و شکر مورد بررسی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ (هزار میلیارد ریال)

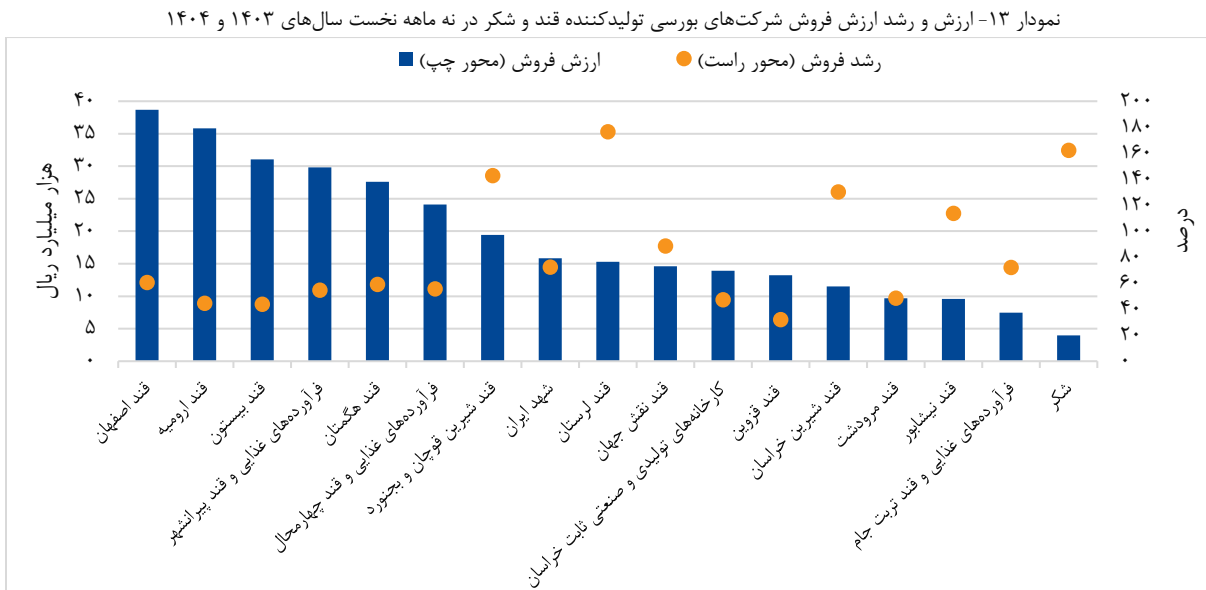
ردیف	شرکت	فروش			سود خالص			حاشیه سود خالص در سال ۱۴۰۳ (درصد)
		۱۴۰۲	۱۴۰۳	تغییر درصد	۱۴۰۲	۱۴۰۳	تغییر درصد	
۱	قند اصفهان	۱۸/۳	۳۷/۹	۱۰۶/۶	۲/۷	۵/۵	۱۰۴/۴	۱۴/۴
۲	قند بیستون	۱۷/۱	۳۰/۸	۷۹/۶	۲/۴	۳/۷	۵۵/۷	۱۲/۰
۳	قند هگمتان	۲۱/۲	۲۷/۲	۲۸/۳	۴/۹	۵/۵	۱۲/۷	۲۰/۲
۴	قند ارومیه	۱۷/۳	۲۶/۰	۵۰/۵	۲/۱	۳/۱	۴۴/۶	۱۱/۸
۵	فرآورده‌های غذایی و قند چهارمحال	۱۵/۷	۲۲/۲	۴۱/۵	۳/۱	۵/۱	۶۲/۲	۲۲/۹
۶	فرآورده‌های غذایی و قند پیرانشهر	۱۴/۳	۲۱/۲	۴۹/۰	۱/۴	۱/۹	۳۵/۳	۸/۷
۷	قند قزوین	۱۰/۹	۱۹/۳	۷۷/۰	۲/۰	۴/۵	۱۲۰/۶	۲۳/۲
۸	قند مرودشت	۸/۹	۱۶/۵	۸۵/۲	۲/۲	۳/۳	۴۷/۵	۲۰/۱
۹	شهد ایران	۱۶/۰	۱۴/۴	-۱۰/۰	۱/۹	۳/۰	۶۱/۸	۲۰/۸
۱۰	قند شیرین قوچان و بجنورد	۹/۱	۱۲/۹	۴۲/۱	۰/۲	۰/۴	۱۳۱/۹	۲/۷
۱۱	کارخانه‌های تولیدی و صنعتی ثابت خراسان	۶/۸	۱۰/۸	۵۷/۴	۰/۲	۲/۹	۱۴۵۳/۴	۲۶/۸
۱۲	قند نیشابور	۶/۷	۱۰/۰	۴۸/۰	۰/۶	۰/۴	-۳۸/۵	۳/۶
۱۳	قند نقش جهان	۶/۳	۱۰/۰	۵۷/۲	-۰/۳	۰/۱	-	۰/۵
۱۴	قند لرستان	۵/۶	۹/۶	۷۳/۱	۲/۰	۲/۱	۶/۷	۲۲/۱
۱۵	قند شیرین خراسان	۵/۷	۹/۱	۵۸/۹	-۰/۲	-۰/۵	۱۷۵/۷	-۵/۸
۱۶	فرآورده‌های غذایی و قند تربت جام	۳/۷	۸/۳	۱۲۶/۱	۰/۴	۱/۵	۲۷۵/۱	۱۷/۹
۱۷	شکر	۱/۷	۵/۵	۲۱۸/۸	۰/۰	۰/۰	-	-
	مجموع	۱۸۵/۵	۲۹۱/۸	۵۷/۳	۲۵/۵	۴۲/۲	۶۵/۴	۱۴/۴*

مأخذ: صورت‌های مالی حسابرسی‌شده برگرفته از سامانه کدال

* متوسط وزنی

۳-۲-۶- فروش و سودآوری شرکت‌های بورسی تولیدکننده قند و شکر در نه ماهه نخست ۱۴۰۴

مجموع ارزش فروش ۱۷ شرکت بورسی تولیدکننده قند و شکر ایران از ۱۹۴/۶ هزار میلیارد ریال در نه ماهه نخست ۱۴۰۳ با حدود ۶۵/۴ درصد افزایش به ۳۲۱/۷ هزار میلیارد ریال در نه ماهه نخست ۱۴۰۴ بالغ شد. بیشترین افزایش ارزش فروش در نه ماهه نخست سال ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن به شرکت قند لرستان با ۱۷۶/۵ درصد و کمترین افزایش ارزش فروش به شرکت قند قزوین با ۳۱/۸ درصد اختصاص داشته است. قیمت شکر در آذر ماه ۱۴۰۴ نسبت به آذر ماه سال قبل از آن تنها ۳۲/۲ درصد افزایش یافته است و بنابراین کل رشد ارزش فروش را نمی‌توان به افزایش قیمت‌ها و رشد اسمی نسبت داد. به این ترتیب در سال ۱۴۰۴ همچون سال ۱۴۰۳، بخش قابل توجهی از افزایش درآمد شرکت‌های قندی ناشی از رشد تولید و متعاقباً افزایش حجم فروش بوده است. نمودار ۱۳ ارزش و رشد ارزش فروش شرکت‌های بورسی تولیدکننده قند و شکر را در نه ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ نشان می‌دهد.



مأخذ: صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای برگرفته از سامانه کدال

مجموع ارزش سود خالص ۱۷ شرکت بورسی تولیدکننده قند و شکر ایران از ۳۰/۷ هزار میلیارد ریال در نه ماهه نخست ۱۴۰۳ به ۴۲/۳ هزار میلیارد ریال در نه ماهه نخست سال ۱۴۰۴ بالغ شد. همچنین ارزش سود خالص شرکت‌های مذکور در این مدت حدود ۳۷/۴ درصد افزایش یافته است. جدول ۱۰ سود خالص شرکت‌های بورسی تولیدکننده قند و شکر را در نه ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ نشان می‌دهد.

جدول ۱۰- ارزش و رشد ارزش سود خالص شرکت‌های بورسی تولیدکننده قند و شکر در نه ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (هزار میلیارد ریال)

شرکت	سود خالص ۹ ماهه ۱۴۰۳	سود خالص ۹ ماهه ۱۴۰۴	درصد تغییرات
قند ارومیه	۳/۰	۵/۸	۹۶/۴
فرآورده‌های غذایی و قند پیرانشهر	۳/۱	۴/۸	۵۲/۹
قند لرستان	۱/۴	۴/۸	۲۳۳/۵
قند اصفهان	۳/۳	۴/۴	۳۵/۶
فرآورده‌های غذایی و قند چهارمحال	۳/۰	۴/۲	۳۹/۱
قند هگمتان	۳/۷	۳/۹	۴/۳
قند بیستون	۳/۴	۳/۱	-۱۰/۷
شهد ایران	۲/۱	۲/۹	۴۰/۶
قند مرودشت	۲/۰	۲/۵	۲۶/۶
قند قزوین	۲/۱	۲/۴	۱۳/۳
فرآورده‌های غذایی و قند تربت جام	۰/۲	۱/۵	۵۹۶/۵
قند شیرین قوچان و بجنورد	۰/۶	۰/۹	۴۷/۳
کارخانه‌های تولیدی و صنعتی ثابت خراسان	۲/۶	۰/۸	-۷۰/۶
قند نیشابور	۰/۱	۰/۴	۲۳۸/۱
شکر	-۰/۲	۰/۲	-
قند شیرین خراسان	-۰/۱	-۰/۱	۴۹/۷
قند نقش جهان	۰/۳	-۰/۲	-
مجموع	۳۰/۷	۴۲/۳	۳۷/۴

مأخذ: صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای برگرفته از سامانه کدال

۷- مانده وجوه نقد بانکی (پایان آذر ۱۴۰۴)

با توجه به جدول ۱۱، مجموع مانده موجودی نقد بانکی ۲۳ شرکت مورد بررسی در صنعت مواد غذایی در پایان آذر ماه ۱۴۰۴ حدود ۸۴/۳ هزار میلیارد ریال است. شرکت‌های صنعتی بهشهر و صنعتی بهپاک به ترتیب با ۵۵/۵ هزار میلیارد ریال و ۶/۰ هزار میلیارد ریال، بیشترین مانده وجوه نقد بانکی را در پایان آذر ماه سال ۱۴۰۴ در بین شرکت‌های صنعت غذایی مورد بررسی در اختیار دارند. بنابراین نسبت مانده وجوه نقد بانکی در پایان آذر ماه ۱۴۰۴ به ارزش فروش نه ماهه نخست سال ۱۴۰۴ شرکت‌های مورد بررسی در صنعت غذایی حدود ۹/۷ درصد بوده است. مانده وجوه نقد شرکت‌های تولیدکننده روغن خوراکی بیش از شرکت‌های قند و شکر بوده است، با این حال، این تفاوت عمدتاً از تمرکز بالای وجوه نقد در شرکت صنعتی بهشهر ناشی می‌شود و نمی‌توان آن را صرفاً به تفاوت ساختاری سودآوری دو صنعت نسبت داد.

جدول ۱۱- مانده وجوه نقد شرکت‌های صنعت غذایی در پایان آذر ماه ۱۴۰۴

شرکت	مانده موجودی نقد بانکی (میلیارد ریال)	شرکت	مانده موجودی نقد بانکی (میلیارد ریال)
صنعتی بهشهر	۵۵,۵۴۶	قند شیرین قوچان و بجنورد	۷۱۷
صنعتی بهپاک	۵,۹۶۶	قند نیشابور	۵۱۳
فرآورده‌های غذایی و قند پیرانشهر	۳,۸۴۹	قند شیرین خراسان	۵۰۵
صنعت غذایی کورش	۳,۲۶۵	کارخانجات پنبه و دانه‌های روغنی خراسان	۳۲۷
قند ارومیه	۲,۶۱۵	شکر	۳۰۲
شهد ایران	۲,۱۹۰	قند قزوین	۲۶۶
قند بیستون	۲,۰۱۰	قند نقش جهان	۱۲۳
قند هگمتان	۱,۷۱۱	قند لرستان	۸۳
مارگارین	۱,۵۲۶	نوش پونه مشهد	۷۲
قند اصفهان	۱,۱۰۰	کارخانه‌های تولیدی و صنعتی ثابت خراسان	۷
فرآورده‌های غذایی و قند چهارمحال	۷۹۷	فرآورده‌های غذایی و قند تربت جام	۱
قند مرودشت	۷۶۴		

مأخذ: صورت‌های مالی میاندوره‌ای برگرفته از سامانه کدال

۸- مانده تسهیلات (۱۸ اسفند ۱۴۰۴)

عمدتاً یکی از پایه‌ها و الزامات اصلی شروع و ادامه فعالیت‌های اقتصادی، دسترسی به منابع مالی کافی جهت تأمین سرمایه‌گذاری ثابت یا سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی است. در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان منابع تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی را به دو دسته منابع درون بنگاهی و منابع خارج از بنگاه تقسیم‌بندی کرد. منظور از منابع درون بنگاهی در واقع آورده سهامداران یا اندوخته‌های موجود در شرکت‌ها است که به منظور تأمین مالی مورد نیاز برای تأسیس، ادامه یا توسعه فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. رایج‌ترین منابع تأمین مالی از خارج از بنگاه شامل تسهیلات بانکی، استقراض از بازارهای غیررسمی، استفاده از منابع طرح‌های دولتی از قبیل وجوه اداره‌شده و صندوق توسعه ملی و همچنین استفاده از ابزارهای مالی رایج در بازار سرمایه یعنی انتشار سهام و اوراق بدهی می‌شوند. در اقتصاد ایران به دلیل عمق کم بازار سرمایه و نبود جایگزین‌های مناسب برای تأمین مالی بانکی، نظام تأمین مالی بانک‌محور بوده و بانک‌ها نقش اصلی را در تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و بزرگ و همچنین تأمین مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت ایفا می‌کنند.

طبق بخشنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران^۱، واحدهای تولیدی فعال می‌توانند تا سقفی حداکثر معادل ۹۰ درصد فروش سال گذشته خود، مانده تسهیلات سرمایه در گردش نزد بانک‌ها داشته باشند. مجموع مانده تسهیلات شرکت‌های صنعت غذایی مورد بررسی در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۴ حدود ۱۸۱/۷ هزار میلیارد ریال است. به طور متوسط نسبت مانده تسهیلات به فروش سال ۱۴۰۳ شرکت‌های صنعت غذایی مورد بررسی حدود ۲۳/۷ درصد بوده که این نسبت برای شرکت‌های تولیدکننده روغن خوراکی و قند و شکر به ترتیب حدود ۳۲/۹ درصد و ۶/۱ درصد است. همچنین مجموع مانده تسهیلات غیرجاری (سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول) شرکت‌های صنعت غذایی مورد بررسی در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۴ معادل ۶۴۱/۰ میلیارد ریال بوده است که این رقم کمتر از نیم درصد از مجموع مانده تسهیلات شرکت‌های صنعت غذایی مورد بررسی در این تاریخ را تشکیل می‌دهد. در مجموع بررسی شاخص‌های اعتباری نشان می‌دهد که نسبت مانده تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی در صنعت غذایی نسبت به صنایعی همچون پتروشیمی، دارو و سیمان کمتر است. این موضوع بیانگر آن است که صنعت غذایی در مجموع از منظر کیفیت ریسک اعتباری و نکول، وضعیت مناسب‌تری نسبت به برخی صنایع بزرگ کشور دارد.

۹- مانده کل تعهدات (مجموع ضمانت‌نامه و اعتبارات اسنادی)

یکی از خدمات مهم بانک‌ها به مشتریان خود، ارائه انواع تعهدات بانکی (ضمانت‌نامه‌ها و اعتبارات اسنادی) است. بانک‌ها با این اقدام علاوه بر کسب سود، مبادلات اقتصادی را تسهیل و به رشد اقتصادی کمک می‌کنند. عایدی بانک‌ها در ارائه خدمات مذکور به اشخاص حقیقی و حقوقی، شامل دریافت کارمزد خدمات و مسدودی سپرده (غالباً بدون بهره) می‌شود. از سوی دیگر، ارائه خدمات تعهدات برای بانک‌ها عمده‌تأ ریسک کمتری نسبت به پرداخت تسهیلات به همراه دارد. مجموع مانده ضمانت‌نامه بانکی ۲۳ شرکت صنعت غذایی مورد بررسی در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۴ در مجموع حدود ۲۳/۵ هزار میلیارد ریال بوده است. همچنین مجموع مانده اعتبار اسنادی بانکی شرکت‌های بورسی مذکور در این تاریخ حدود ۷/۱ هزار میلیارد ریال بوده است. به عبارت دیگر کل ارزش مانده تعهدات بانکی (مجموع ارزش ضمانت‌نامه و اعتبار اسنادی) شرکت‌های صنعت غذایی در تاریخ مذکور به حدود ۳۰/۶ هزار میلیارد ریال بالغ می‌شود.

۱. بخشنامه شماره ۰۰/۲۰۹۸۳۱ مورخ ۲۴ مهرماه ۱۴۰۰

۱۰- تعهدات ارزی رفع نشده منقضی شده (۱۸ اسفند ۱۴۰۴)

واردکنندگان کالا در قبال ارزی که از بانکها^۱ جهت واردات کالا دریافت می کنند، متعهد می شوند در بازه زمانی مشخصی نسبت به واردات کالا با همان اوصاف کمی و کیفی (در زمان تخصیص ارز) اقدام نمایند. بر اساس مقررات بانک مرکزی، عدم واردات کالا توسط واردکنندگان به کشور در بازه زمانی مشخص، برای آنها مانده تعهدات ارزی رفع نشده منقضی شده ایجاد خواهد کرد. بر اساس بخشنامه بانک مرکزی^۲، به اشخاص حقیقی و حقوقی که درصد تعهدات ارزی رفع نشده منقضی شده آنها بیش از ۱۰ درصد کل تعهدات ارزی آنها باشد، خدمات بانکی ارایه نمی شود و پرونده ارزی این شرکتها به سازمان تعزیرات حکومتی جهت طی مراحل قانونی ارجاع خواهد شد. عدم ارایه خدمات بانکی همچون تسهیلات و حواله ارزی، فرآیند تولید شرکتها را با ریسک قابل ملاحظه ای مواجه خواهد کرد. در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۴، ارزش تعهدات ارزی رفع نشده منقضی شده شرکت های صنعت غذایی مورد بررسی^۳، حدود ۴۰/۵ میلیون یورو بوده است. همچنین متوسط «نسبت تعهدات ارزی رفع نشده منقضی شده به کل تعهدات ارزی» کمتر از یک درصد است. با این حال بررسی آمارها نشان می دهد میزان تعهدات ارزی رفع نشده این شرکتها در مقایسه با برخی صنایع واردات محور دیگر از جمله صنعت دارو در سطح پایین تری قرار داشته که بیانگر عملکرد مناسب تر آنها در ایفای تعهدات ارزی است.

۱۱- نسبت های مالی

نسبت های مالی، کلید تجزیه و تحلیل مالی اند و برای ارزیابی و مقایسه عملکرد مالی یک شرکت با شرکت های مشابه مورد استفاده قرار می گیرند. با توجه به شرایط خاص هر صنعت، نسبت های مالی شرکت های هر صنعت باید با شرکت های همان صنعت مقایسه شوند. نسبت های مالی به پنج دسته نسبت های نقدینگی^۴، فعالیت^۵، نقدشوندگی (اهرمی)^۶، سودآوری^۷ و ارزش گذاری^۸ قابل تقسیم اند.

نسبت های نقدینگی: نسبت های نقدینگی توسط تحلیلگران برای اندازه گیری توانایی شرکتها در پرداخت بدهی های کوتاه مدت استفاده می شوند. مهمترین نسبت نقدینگی، نسبت جاری است که از تقسیم دارایی های جاری بر بدهی های جاری ترازنامه به دست می آید. هر چه نسبت جاری بیشتر باشد، احتمال این که شرکت بتواند بدهی های کوتاه مدت خود را بازپرداخت کند بیشتر خواهد شد. نسبت جاری کمتر از یک نشان می دهد که شرکت

۱. بانکها به عنوان عامل تخصیص ارز بانک مرکزی، وثایقی از واردکنندگان جهت تضمین ایفای تعهدات ارزی آنها اخذ می کنند.

۲. بخشنامه شماره ۰۰/۹۳۰۲۵ مورخ ۳۱ خرداد ۱۴۰۰

۴. Liquidity Ratios

۵. Activity Ratios

۶. Solvency Ratios

۷. Profitability Ratios

۸. Valuation Ratios

سرمایه در گردش منفی دارد و احتمالاً با بحران نقدینگی مواجه خواهد شد. نسبت جاری خیلی بزرگ می‌تواند به معنی آن باشد که شرکت‌ها موجودی کالا یا ملزومات زیادی نگهداری می‌کنند و یا مدیران شرکت نتوانسته‌اند اعتبارات کوتاه‌مدت جذب کنند. حد مناسب نسبت جاری در عموم صنایع حدود ۱ تا ۲ است. نسبت آنی (سریع) کمی سخت‌گیرانه‌تر از نسبت جاری است، زیرا دارایی‌های با نقدشوندگی کمتر همچون موجودی مواد و کالا و پیش‌پرداخت شرکت‌ها را در بر نمی‌گیرد. محافظه‌کارانه‌ترین نسبت نقدینگی نسبت وجه نقد است. این نسبت صرفاً دارایی‌های با نقدشوندگی بالا همچون وجه نقد، اوراق سریع‌المعامله و سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت بانکی را در بر می‌گیرد.

نسبت‌های فعالیت: نسبت‌های فعالیت میزان کارایی شرکت‌ها را در مدیریت دارایی‌ها نشان می‌دهند. نسبت گردش موجودی کالا که از تقسیم بهای تمام‌شده کالای فروش رفته بر متوسط موجودی کالای ترازنامه به دست می‌آید، یکی از مهمترین نسبت‌های فعالیت است. دوره گردش موجودی کالا که از عکس نسبت گردش موجودی کالا ضرب در عدد ۳۶۵ به دست می‌آید، فاصله زمانی (تعداد روز) دریافت مواد اولیه و تبدیل آن به کالای فروش رفته را نشان می‌دهد. طولانی بودن دوره گردش موجودی کالا نشان‌دهنده این است که سرمایه زیادی صرف موجودی کالا شده یا این که موجودی کالای شرکت‌ها از رده خارج شده است. در مقابل، دوره گردش موجودی کالای بسیار کوتاه‌مدت، ممکن است نشان‌دهنده این باشد که شرکت‌ها ذخیره مواد اولیه کافی ندارند که در این صورت می‌تواند به فروش آن‌ها در آینده نزدیک آسیب بزند. یکی دیگر از نسبت‌های فعالیت شرکت‌ها، نسبت گردش حساب‌های دریافتنی است که از تقسیم فروش سالانه بر متوسط حساب‌های دریافتنی ترازنامه به دست می‌آید. دوره گردش حساب‌های دریافتنی یا دوره وصول مطالبات، که از عکس نسبت گردش حساب‌های دریافتنی ضرب در عدد ۳۶۵ به دست می‌آید، نشان می‌دهد که شرکت درآمد فروش خود را در چه بازه زمانی (تعداد روز) به چرخه عملیاتی بازمی‌گرداند. بالا بودن این نسبت نشان می‌دهد که شرکت بخش قابل توجهی از فروش کالاهای خود را به صورت نسیه انجام داده یا برنامه منظمی برای وصول مطالبات خود ندارد. در مقابل پایین بودن این نسبت باعث می‌شود که شرکت برای افزایش سرمایه در گردش، بار مالی کمتری متحمل شود. از مجموع دوره وصول مطالبات و دوره گردش موجودی کالا، دوره گردش عملیات به دست می‌آید. شرکتی که دوره گردش عملیات کوتاهی دارد، نیازمند سرمایه در گردش کمتری است و همچنین مدت زمان اندکی طول می‌کشد تا کالای تولیدشده خود را به وجه نقد تبدیل کند.

نسبت‌های نقدشوندگی (اهرمی): نسبت‌های نقدشوندگی معیاری برای اندازه‌گیری اهرم مالی و توانایی شرکت برای پرداخت بدهی‌های بلندمدت است. یکی از مهمترین نسبت‌های اهرمی، نسبت مالکانه است که از تقسیم حقوق صاحبان سهام بر کل دارایی‌های ترازنامه به دست می‌آید. این نسبت بیان می‌کند چه میزان از دارایی‌های شرکت متعلق به سهام‌داران است. اهمیت این نسبت به حدی است که بانک مرکزی، بانک‌ها را از پرداخت تسهیلات به شرکت‌هایی با نسبت مالکانه کمتر از ۱۵ درصد منع کرده است.

نسبت‌های سودآوری: نسبت‌های سودآوری نشان‌دهنده منبع درآمد شرکت و تأثیر آن بر کل سود شرکت‌اند. نسبت‌های سودآوری از شاخص‌های مهم در تعیین کارایی مدیریت شرکت، توانایی در کسب سود یا نرخ بازگشت مناسب در سرمایه‌گذاری‌ها محسوب می‌شوند. یکی از این نسبت‌ها، نسبت بازده دارایی‌ها است که از تقسیم سود خالص بر متوسط دارایی‌های ترازنامه به دست می‌آید. این نسبت نشان‌دهنده آن است که شرکت چگونه از منابع و دارایی‌های تحت اختیار خود برای کسب سود استفاده کرده است و برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان خود بازدهی ایجاد کرده است. می‌توان حد مطلوب برای این نسبت را حداقل ۵ درصد در نظر گرفت.

نسبت بازده حقوق صاحبان سهام نسبت دیگری از نسبت‌های سودآوری است که از تقسیم سود خالص بر متوسط حقوق صاحبان سهام ترازنامه به دست می‌آید. این نسبت بیان می‌کند که مدیران شرکت تا چه حد توانسته‌اند از سرمایه‌ای که سرمایه‌گذاران بابت خرید سهام شرکت پرداخت کرده‌اند، در جهت ایجاد سود در یک سال مشخص استفاده کنند. به بیانی دیگر این نسبت نشان می‌دهد مدیریت شرکت با چه سرعت و نرخی در حال افزایش یا کاهش ارزش شرکت است. نسبت حاشیه سود خالص یکی از مهمترین نسبت‌های مالی است که در زیرمجموعه نسبت‌های سودآوری قرار می‌گیرد و از تقسیم سود خالص بر فروش به دست می‌آید. این نسبت نشان می‌دهد که شرکت پس از فروش کالا و خدمات و کسر هزینه‌های عملیاتی و غیرعملیاتی چه میزان سود کسب کرده است. نسبت سود عملیاتی نشان‌دهنده موفقیت شرکت در ایجاد سود حاصل از عملیات معمولی خود است که از تقسیم سود عملیاتی بر فروش به دست می‌آید. کاهش مستمر این نسبت می‌تواند شرکت را در شرایط پرریسک قرار دهد. جدول ۱۲ و جدول ۱۳ مهمترین نسبت‌های مالی شرکت‌های صنعت غذایی بورسی را در سال ۱۴۰۳ به تصویر می‌کشند.

جدول ۱۲- نسبت‌های نقدینگی و فعالیت شرکت‌های صنعت غذایی بورسی در سال ۱۴۰۳

نسبت‌های فعالیت			نسبت‌های نقدینگی			شرکت		
دوره گردش عملیات (روز)	دوره وصول مطالبات (روز)	دوره گردش موجودی کالا (روز)	نسبت نقدینگی	نسبت سریع (آنی)	نسبت جاری			
۱۵۵	۱۱۶	۳۹	۰/۶۳	۱/۲۸	۱/۶۴	صنعت غذایی کورش	تولیدکننده روغن خوراکی	
۱۲۵	۶۸	۵۷	۰/۱۵	۱/۰۹	۱/۷۱	صنعتی بهپاک		
۱۳۱	۴۹	۸۲	۰/۱۲	۰/۵۲	۱/۱۸	صنعتی بهشهر		
۱۴۴	۷۹	۶۵	۰/۰۷	۰/۱۸	۰/۴۸	مارگارین		
۱۸۲	۹۴	۸۸	۰/۱۲	۰/۹۲	۲/۳۹	نوش پونه مشهد		
۷۲	۱۹	۵۳	۰/۳۰	۰/۷۲	۲/۰۴	کارخانجات پنبه و دانه‌های روغنی خراسان		
۶۹	۴۰	۲۹	۰/۰۹	۱/۱۱	۱/۷۴	قند اصفهان	تولیدکننده قند و شکر	
۵۸	۲۳	۳۶	۱/۹۹	۲/۹۳	۴/۰۰	قند هگمتان		
۹۹	۲۹	۷۰	۰/۱۰	۰/۳۵	۰/۸۵	فرآورده‌های غذایی و قند چهارمحال		
۴۵	۳	۴۲	۰/۶۰	۰/۶۳	۱/۳۶	فرآورده‌های غذایی و قند پیرانشهر		
۵۰	۸	۴۲	۰/۱۸	۰/۲۹	۱/۳۲	شهد ایران		
۶۲	۳۶	۲۷	۰/۰۵	۰/۲۳	۰/۳۶	کارخانه‌های تولیدی و صنعتی ثابت خراسان		
۱۴۵	۵۱	۹۴	۱/۴۹	۱/۶۸	۲/۸۵	قند مرودشت		
۲۷	۵	۲۳	۰/۱۴	۰/۲۱	۱/۵۳	قند نیشابور		
۱۲۲	۴۴	۷۷	۱/۰۲	۱/۴۴	۲/۷۱	قند لرستان		
۳۴	۱۸	۱۶	۰/۰۳	۰/۱۶	۰/۴۷	شکر		
۹۴	۵۹	۳۵	۰/۳۲	۰/۹۷	۱/۳۸	قند ارومیه		
۷۳	۵۰	۲۴	۰/۰۲	۱/۲۰	۱/۸۱	فرآورده‌های غذایی و قند تربت جام		
۶۱	۲۷	۳۵	۰/۹۶	۱/۹۱	۳/۱۰	قند قزوین		
۳۰	۹	۲۰	۰/۳۸	۰/۴۴	۱/۲۸	قند شیرین خراسان		
۴۰	۱۴	۲۶	۰/۰۷	۰/۲۷	۰/۸۴	قند شیرین قوچان و بجنورد		
۵۹	۲۹	۳۱	۰/۰۲	۰/۱۸	۰/۶۵	قند نقش جهان		
۴۴	۲۰	۲۴	۰/۳۲	۰/۶۸	۱/۰۳	قند بیستون		
۱۱۲	۶۲	۵۰	۰/۳۹	۰/۹۱	۱/۵۱	میانگین بر وزن دارایی		
۱۱۳	۶۲	۵۱	۰/۴۱	۰/۹۳	۱/۵۳	میانگین بر وزن درآمد		

مأخذ: صورت‌های مالی حسابرسی شده سال ۱۴۰۳، برگرفته از سایت کدال و محاسبات تحقیق

جدول ۱۳- نسبت‌های سرمایه‌گذاری و سودآوری شرکت‌های صنعت غذایی بورسی در سال ۱۴۰۳ (درصد)

نسبت‌های سودآوری				نسبت‌های نقدشوندگی (اهرمی)	شرکت		
نسبت حاشیه سود خالص	نسبت بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)	نسبت بازده دارایی (ROA)	نسبت حاشیه سود عملیاتی	نسبت مالکانه			
۱۱/۲	۴۰/۳	۱۵/۴	۱۶/۴	۴۳/۳	صنعت غذایی کورش	تولیدکننده روغن خوراکی	
۱۶/۴	۴۴/۴	۲۵/۸	۱۲/۲	۵۶/۲	صنعتی بهپاک		
۲/۲	۹/۷	۳/۸	۸/۳	۳۸/۶	صنعتی بهشهر		
-۲۲/۲	-۵۶۸/۳	-۲۰/۹	-۱۰/۶	-۶/۸	مارگارین		
۷/۸	۲۵/۶	۱۳/۲	۹/۱	۶۲/۳	نوش پونه مشهد		
۷/۰	۳۳/۵	۱۸/۳	۸/۵	۵۴/۱	کارخانجات پنبه و دانه‌های روغنی خراسان		
۱۴/۴	۲۸/۰	۲۱/۹	۱۴/۶	۸۲/۷	قند اصفهان	تولیدکننده قند و شکر	
۲۰/۲	۵۰/۴	۴۰/۲	۱۴/۲	۷۹/۰	قند هگمتان		
۲۲/۹	۵۰/۲	۳۰/۶	۲۱/۱	۵۲/۷	فرآورده‌های غذایی و قند چهارمحال		
۱۴/۱	۵۰/۳	۲۸/۵	۱۸/۰	۵۴/۸	فرآورده‌های غذایی و قند پیرانشهر		
۱۱/۷	۲۴/۲	۱۶/۱	۱۲/۶	۷۰/۲	شهد ایران		
۲/۷	۳/۵	۲/۱	۱/۷	۵۶/۶	کارخانه‌های تولیدی و صنعتی ثابت خراسان		
۲۵/۲	۳۹/۶	۲۶/۶	۱۲/۵	۶۶/۵	قند مرودشت		
۲/۵	۶/۵	۴/۷	۵/۳	۶۷/۳	قند نیشابور		
۲۲/۱	۴۲/۵	۲۹/۰	۱۴/۶	۶۵/۲	قند لرستان		
-۶/۱	-۲۷/۷	-۹/۱	-۸/۰	۲۵/۶	شکر		
۱۱/۸	۶۲/۳	۲۷/۷	۱۱/۶	۴۲/۳	قند ارومیه		
۱۷/۹	۳۶/۵	۲۸/۳	۱۸/۱	۷۶/۲	فرآورده‌های غذایی و قند تربت جام		
۲۳/۲	۶۷/۹	۵۱/۰	۱۹/۱	۷۳/۴	قند قزوین		
-۲/۸	-۴/۳	-۲/۳	-۵/۹	۵۲/۹	قند شیرین خراسان		
۲/۷	۸۶/۶	۱۱/۲	۱/۴	۱۵/۷	قند شیرین قوچان و بجنورد		
-۳/۹	-۱۲/۹	-۵/۷	-۵/۱	۵۴/۸	قند نقش جهان		
۷/۵	۳۵/۰	۱۸/۴	۶/۴	۴۹/۹	قند بیستون		
۸/۶	۳/۲	۱۴/۱	۱۰/۹	۲/۴۹	میانگین بر وزن دارایی		
۸/۶	۱۲/۸	۱۴/۶	۱۱/۲	۰/۴۸	میانگین بر وزن درآمد		

مأخذ: صورت‌های مالی حسابرسی شده سال ۱۴۰۳، برگرفته از سایت کدال و محاسبات تحقیق

۱۲- چالش‌ها

۱۲-۱- سازوکار خرید تضمینی محصولات کشاورزی

۱۲-۱-۱- تاریخچه سیاست خرید تضمینی در ایران و جهان

سیاست خرید تضمینی محصولات کشاورزی در ایران به صورت رسمی با تصویب «قانون تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی» در سال ۱۳۶۸ آغاز شد که بر اساس آن دولت موظف شد هر ساله محصولات اساسی را با قیمت حداقل تعیین شده خریداری کند تا از تولیدکنندگان حمایت شود. در چارچوب این قانون، محصولاتی مانند گندم، برنج، جو و دانه‌های روغنی مشمول خرید تضمینی شدند و دولت نقش خریدار نهایی را بر عهده گرفت. در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ این سیاست به طور گسترده اجرا شد، اگرچه به مرور با چالش‌هایی مانند بار مالی سنگین برای دولت و ناکارآمدی در تنظیم بازار مواجه شد. این الگوها که بر مداخله دولت برای تثبیت قیمت محصولات استراتژیک و تضمین درآمد کشاورزان تأکید دارند، اگرچه با هدف تأمین امنیت غذایی و پایداری تولید داخلی طراحی می‌شوند، اما در عمل از این هدف به شدت فاصله می‌گیرند. پیشینه سیاست‌های «تضمین قیمت» و «خرید تضمینی» در کشورهای مختلف عمده‌تأ به نیمه اول قرن بیستم و دوره پس از بحران‌های بزرگ اقتصادی و جنگ‌ها بازمی‌گردد. در ایالات متحده آمریکا این سیاست به طور مشخص از دهه ۱۹۳۰ و در واکنش به بحران بزرگ اقتصادی شکل گرفت. این سیاست تا دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به صورت گسترده ادامه داشت و سپس از دهه ۱۹۸۰ به بعد به تدریج اصلاح شد و به سمت حمایت‌های درآمدی و بیمه‌ای کشاورزان حرکت کرد. در کشورهای اروپایی اجرای این سیاست‌ها عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد و از سال ۱۹۶۲ در این کشورها نهادینه شد. در این چارچوب، قیمت‌های تضمینی و خرید حمایتی به طور گسترده تا دهه ۱۹۸۰ ادامه یافت، اما از سال ۱۹۹۲ (اصلاحات مک‌شری) به بعد به تدریج کاهش یافته و جای خود را به پرداخت‌های مستقیم و سیاست‌های کم‌اختلال‌گر در بازار داده‌اند.

۱۲-۱-۲- پیامدهای سیاست خرید تضمینی محصولات کشاورزی در ایران

در نظام سیاست‌گذاری کشاورزی ایران، هر ساله در اواسط سال کارگروه «شورای قیمت‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی» قیمت پیشنهادی محصولاتی را که قرار است در سال آینده از کشاورزان خریداری شوند، تعیین می‌کند. در واقع دولت خرید این محصولات را در قیمت مشخصی تضمین می‌کند. این اقدام با هدف ایجاد شفافیت و فراهم‌سازی امکان برنامه‌ریزی برای کشاورزان انجام می‌شود تا بتوانند بر اساس قیمت‌های اعلامی درباره نوع و میزان کشت سال آینده تصمیم‌گیری کنند. از سوی دیگر تعیین این قیمت‌ها به دولت کمک می‌کند تا منابع مالی مورد نیاز برای اجرای سیاست خرید تضمینی را در بودجه سال آینده پیش‌بینی و مدیریت کند. در ساختار فعلی بازار کشاورزی، دولت از یک سو به عنوان بزرگترین خریدار این محصولات، نقش اصلی را در تعیین قیمت ایفا می‌کند و از سوی دیگر با اعمال ممنوعیت‌های صادراتی، امکان فروش در بازارهای

خارجی را از کشاورزان سلب می‌کند. این شرایط موجب می‌شود کشاورزان یا ناچار به فروش محصولات خود به دولت شوند یا برای افزایش سودآوری به سمت کشت محصولاتی با قیمت آزاد و بازده بالاتر حرکت کنند. در نتیجه این سیاست‌گذاری، تمایل به کشت محصولات آبربر به ویژه محصولات جالیزی افزایش می‌یابد که می‌تواند پیامدهای قابل توجهی برای منابع آب و ساختار تولید کشاورزی داشته باشد. همچنین از آنجایی که محصولات کشاورزی که به صورت تضمینی از کشاورزان خریداری می‌شوند، به عنوان مواد اولیه در تولید بسیاری از صنایع مواد غذایی کاربرد دارند، ناکارآمدی در سیاست‌های خرید تضمینی و تخصیص ارز ترجیحی باعث شده که تولید محصولات غذایی فرآوری‌شده در ایران با نوسان همراه باشد. پیامدهای سیاست خرید تضمینی را به طور خلاصه می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) کاهش درآمد کشاورزان

در سال‌های اخیر، یکی از انتقادات جدی به سیاست خرید تضمینی محصولات کشاورزی در ایران، پایین‌تر بودن قیمت داخلی نسبت به کشورهای همسایه بوده است - موضوعی که تا حد زیادی به اختلال در سازوکار بازار بازمی‌گردد. در شرایطی که قیمت‌گذاری به صورت اداری انجام می‌شود، دولت به جای تبعیت از سیگنال‌های واقعی عرضه و تقاضا، قیمت را بر اساس محدودیت‌های بودجه‌ای خود تعیین می‌کند. این رویکرد باعث می‌شود قیمت تضمینی در بسیاری از مواقع کمتر از سطحی باشد که در یک بازار رقابتی یا حتی در کشورهای همسایه معامله می‌شود و در نتیجه انگیزه تولیدکنندگان تضعیف می‌شود. به عنوان نمونه، قیمت خرید تضمینی گندم ایران در سال ۱۴۰۴ حدود ۲۰۵ هزار ریال به ازای هر کیلوگرم بوده است، در حالی که متوسط قیمت این محصول در نیمه نخست همین سال در کشور عراق حدود ۶۴۹ دلار به ازای هر تن گزارش شده است. این در حالی است که دولت عراق نیز سیاست خرید تضمینی گندم را در پیش گرفته است. با این حال با احتساب متوسط نرخ ارز در بازار آزاد ایران در این بازه زمانی - معادل ۹۱۰ هزار ریال به ازای هر دلار - قیمت گندم در بازار عراق حدود ۵۹۱ هزار ریال به ازای هر کیلوگرم برآورد می‌شود که حدود ۱۸۸/۲ درصد بیشتر از قیمت خرید این محصول در ایران است. این اختلاف قابل توجه موجب شده است که بخشی از تولید گندم و جو به جای تحویل به دولت، در سایر مصارف از جمله خوراک دام و طیور و حتی قاچاق به کشورهای همسایه مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، طبق قانون باید مطالبات کشاورزان حداکثر ۲۴ ساعت پس از دریافت محصول توسط دولت پرداخت شود. اما در سال‌های اخیر پرداخت مطالبات گندمکاران حتی تا شش ماه تأخیر داشته است. بنابراین قیمت‌گذاری بدون توجه به مکانیزم عرضه و تقاضا در بازارهای داخلی و خارجی و عدم ایفای تعهدات مالی دولت در زمان مناسب، در کاهش سطح زیر کشت این محصول مؤثر بوده است.

ب) افزایش سهم محصولات غیرراهبردی در الگوی کشت

کشاورزان در زمین‌های خود همانند سایر فعالان اقتصادی به دنبال حداکثر کردن منافع اقتصادی خود هستند. بنابراین با توجه به سابقه کشت‌های گذشته، میزان برداشت محصولاتی مانند گندم در هر هکتار را می‌دانند. کشاورز با محاسبه میزان برداشت و هزینه‌های تولید محصول و قیمت نهایی محصول، برآوردی از سود خود خواهد داشت. لذا قیمت یک محصول کشاورزی مهمترین سیگنال برای تولید یا عدم تولید آن محصول است. وقتی قیمت گندم کمتر از قیمت مد نظر کشاورز باشد، او به کشت محصولات جایگزین رو می‌آورد. اگر سایر محصولات استراتژیک همچون جو و دانه‌های روغنی نیز مشمول خرید تضمینی و قیمت‌گذاری دولتی باشند، مشخصاً کشاورز به سمت تولید محصولات غیراستراتژیک همچون صیفی‌جات، سبزیجات و برنج سوق پیدا می‌کند. البته نمی‌توان منکر اهمیت این محصولات شد، اما باید توجه داشت که آب‌بری این محصولات با شرایط اقلیمی ایران سازگاری چندانی ندارد. بنابراین با لحاظ خروجی نامطلوب تولید این محصولات، احتمالاً می‌توان ادعا کرد که ایران در تولید این محصولات مزیت نسبی و رقابتی ندارد. از سوی دیگر بسیاری از این محصولات کشاورزی آب‌بر هر ساله به سایر کشورها صادر می‌شوند که می‌توان آن را به نوعی صادرات آب مجازی با قیمت‌گذاری یارانه‌ای آب تلقی کرد. در سال ۱۴۰۳ حدود ۲۹۰ میلیون دلار صادرات محصولات جالیزی و ۱/۱ میلیارد دلار صادرات سبزیجات^۱ داشته‌ایم. بنابراین قیمت‌گذاری دستوری محصولات کشاورزی و محدودیت در صادرات این محصولات نه تنها سطح کشت محصولات استراتژیک را به نفع سایر محصولات متمایل خواهد کرد، بلکه اصل مزیت نسبی را به چالش خواهد کشید.

پ) نوسان در تولید مواد اولیه صنعت غذایی

تعیین قیمت‌های نامتناسب با هزینه‌های تولید و شرایط بازار می‌تواند انگیزه کشاورزان برای کشت محصولات اساسی را تضعیف کند. کاهش سطح زیر کشت این محصولات در نهایت به افت تولید داخلی و بروز نوسان در تأمین مواد اولیه صنایع غذایی منجر خواهد شد. ترکیب این وضعیت با نوسان نرخ ارز و اختلالات تجاری، تولید و مصرف محصولات نهایی غذایی را با چالش مواجه خواهد کرد. این در حالی است که واردات محصولات کشاورزی خام نظیر چغندر قند و دانه‌های روغنی، به دلیل هزینه‌های بالای حمل و نقل، محدودیت‌های نگهداری و فسادپذیری بالا، از صرفه اقتصادی چندانی برخوردار نیست.

ت) فشار بودجه‌ای به دولت

خرید تضمینی محصولات کشاورزی اگرچه با هدف حمایت از درآمد کشاورزان، کاهش نااطمینانی تولید و تقویت امنیت غذایی اجرا می‌شود، اما در عمل می‌تواند فشار قابل توجهی بر منابع مالی دولت وارد کند، به ویژه اگر قیمت دستوری و یارانه‌ای محصول نهایی (برای مثال نان) شکاف قابل توجهی با قیمت خرید تضمینی ماده اولیه (برای

۱. عمده صادرات در دسته سبزیجات شامل گوجه‌فرنگی، سیب‌زمینی و پیاز است.

مثال گندم) داشته باشد. همچنین در شرایطی که قیمت بازار کمتر از نرخ تضمینی باشد یا حجم تولید افزایش یابد، دولت ناچار است مقادیر قابل توجهی از محصولات را خریداری، انبار و مدیریت کند. این مهم نه تنها هزینه‌های مستقیم خرید را افزایش می‌دهد، بلکه هزینه‌های جانبی نظیر حمل‌ونقل، نگهداری، ذخیره‌سازی، بیمه، ضایعات و حتی امحای محصولات مازاد را نیز به بودجه عمومی تحمیل می‌کند. فشار بودجه‌ای ناشی از خرید تضمینی تنها به اصل خرید محدود نمی‌شود، بلکه تمرکز زمانی پرداخت‌ها نیز اهمیت بالایی دارد. دولت ناچار است در بازه‌ای کوتاه و همزمان با فصل برداشت، منابع مالی عظیمی را به بخش کشاورزی تزریق کند که عدم تأمین منابع همین موضوع باعث می‌شود که مطالبات کشاورزان با تأخیر پرداخت شود و یا دولت مجبور شود از منابع سایر ردیف‌های بودجه اقدام به پرداخت کند. به عبارت دیگر، در شرایط کسری بودجه، محدودیت درآمدهای نفتی یا کاهش منابع مالیاتی، این مهم می‌تواند منجر به تأخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان شود. تأخیرهای مکرر در پرداخت نیز ضمن کاهش اعتماد کشاورزان به سیاست‌های حمایتی دولت، موجب افزایش هزینه‌های مالی دولت از طریق استقراض بانکی یا جابه‌جایی منابع از سایر ردیف‌های بودجه می‌شود. در بسیاری از موارد، دولت برای تأمین مالی خرید تضمینی ناچار به استفاده از تنخواه، استقراض از شبکه بانکی یا انتشار اوراق مالی می‌شود که خود می‌تواند آثار تورمی به همراه داشته باشد. پیامدهای این سیاست صرفاً محدود به ایران نبوده و در بسیاری از کشورهای که این سیاست را به اجرا گذاشته‌اند به طور مشابه تجربه شده‌اند. خرید گسترده برنج و گندم توسط دولت هند طی سال‌های اخیر موجب افزایش شدید ذخایر دولتی و رشد هزینه‌های یارانه غذایی شده است. گزارش‌های رسمی در هند نشان می‌دهند که خریدهای نامحدود و بدون سقف مشخص، به انباشت ذخایر بیش از نیاز کشور منجر شده و هزینه‌های نگهداری و یارانه‌ای دولت را افزایش داده‌اند. کمیسیون هزینه‌ها و قیمت‌های کشاورزی هند^۱ نیز هشدار داده که سیاست خرید گسترده برنج، ساختار تولید را دچار انحراف کرده و فشار مالی سنگینی بر دولت تحمیل کرده است.

۲-۱۲- قیمت‌گذاری دستوری نهاده‌ها و محصولات تولیدی

نظام قیمت‌گذاری دستوری مواد غذایی در ایران به صورت هزینه به‌علاوه حاشیه سود است. به این نحو که مرجع قیمت‌گذار با دریافت اطلاعات هزینه‌های تولید هر محصول از تولیدکننده یا هزینه واردات از واردکننده، با افزودن درصدی از کل هزینه‌ها به عنوان سود تولیدکننده و واردکننده، قیمت را تعیین می‌کند و به تولیدکننده و واردکننده اجازه فروش با آن قیمت را می‌دهد. دولت در راستای حمایت از تولید، در اغلب موارد بخشی از نهاده‌های مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی را با قیمت‌های یارانه‌ای تأمین می‌کند. این نهاده‌ها عمدتاً شامل انرژی، مواد اولیه و منابع مالی با نرخ سود ترجیحی هستند که هدف از ارایه آنها کاهش هزینه‌های تولید و متعاقباً کاهش قیمت محصولات تولیدی است. با این وجود، اعطای چنین حمایت‌هایی در بسیاری از موارد به عنوان مبنایی برای مداخله دولت در سازوکار قیمت‌گذاری محصولات نهایی تلقی می‌شود و زمینه اعمال کنترل‌های قیمتی را فراهم می‌سازد.

۱. Commission for Agricultural Costs and Prices (CACP)

قیمت‌گذاری دستوری در صنعت غذایی طی سال‌های اخیر به یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری چالش‌ها و نارسایی‌های این صنعت تبدیل شده است. این سیاست نه تنها به صورت مستقیم بر عملکرد شرکت‌ها اثر گذاشته، بلکه پیامدهای غیرمستقیم متعددی را نیز برای فعالان این حوزه به همراه داشته است. بررسی گزارش‌های تفسیری مدیریت شرکت‌های صنعت غذایی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از آنها، آثار و تبعات ناشی از قیمت‌گذاری دستوری را به عنوان مهمترین ریسک پیش روی فعالیت و سودآوری خود معرفی کرده‌اند. در ادامه به برخی از مشکلات تعیین دستوری قیمت محصولات و نهاده‌های کشاورزی و غذایی اشاره شده است.

۱-۲-۲-۱- پیامدهای قیمت‌گذاری دستوری در صنعت مواد غذایی

الف) کاهش کیفیت مواد غذایی

قیمت‌گذاری هر چند برای هر محصول غذایی به طور مجزا انجام می‌شود، اما تفاوت‌های موجود بین کارخانه‌های تولیدی، خطوط تولید، انواع مواد غذایی مشابه با کیفیت‌های متفاوت و ظرفیت‌های تولیدی کارخانجات مختلف را که منجر به تفاوت هزینه‌ها می‌شود، در نظر نمی‌گیرد. به عبارت دیگر محصولات غذایی به طور کامل همگن نبوده و نمی‌توان یک قیمت واحد برای هر محصول با کیفیت‌های متفاوت تعیین کرد. این ساختار یکی از مهمترین دلایل بروز مشکل تفاوت کیفیت مواد غذایی به شمار می‌رود. برای نمونه، قیمت انواع شکر مصرفی خانوار به صورت دستوری و با یک نرخ ثابت تعیین می‌شود. این در حالی است که تولیدکنندگان مختلف ممکن است از مواد اولیه متفاوتی برای تولید شکر استفاده کنند، به گونه‌ای که یک شرکت شکر را از چغندر قند و شرکت دیگر از نیشکر تولید کند. همچنین سطح فناوری، میزان خلوص محصول و استانداردهای کیفی میان تولیدکنندگان یکسان نیست. این مسأله در بازار روغن خوراکی نیز مشاهده می‌شود. زمانی که قیمت محصولات با ویژگی‌های متفاوت به صورت یکسان تعیین می‌شود، انگیزه شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری در پالایش بیشتر روغن، کاهش ترکیبات نامطلوب، بهبود شاخص‌های سلامت یا افزودن ویتامین‌ها کاهش می‌یابد. در نتیجه، تولیدکنندگان به جای رقابت بر سر کیفیت و نوآوری، به تولید محصولاتی با حداقل الزامات ممکن متمایل می‌شوند. این در حالی است که در یک بازار رقابتی، مصرف‌کنندگان می‌توانند بر اساس ترجیحات و نیازهای خود، محصولات متنوع با سطوح مختلف کیفیت را انتخاب کنند.

از سوی دیگر، در یک اقتصاد مبتنی بر سازوکار بازار، تولیدکنندگان برای افزایش درآمد و سود خود ناگزیرند که کیفیت محصولات را برای جلب رضایت مصرف‌کننده و ایجاد مزیت رقابتی بهبود بخشند. در چنین شرایطی، هرگونه سرمایه‌گذاری در ارتقای کیفیت می‌تواند از طریق افزایش فروش یا امکان عرضه محصول با قیمت بالاتر، به بازده اقتصادی مناسب منجر شود و تولیدکننده را برای ادامه این مسیر تشویق کند. اما در نظام قیمت‌گذاری دستوری، این رابطه طبیعی دچار اختلال می‌شود. زمانی که قیمت محصول بدون توجه به سطح کیفیت و صرفاً بر اساس تصمیمات اداری تعیین می‌شود، انگیزه اقتصادی لازم برای سرمایه‌گذاری در بهبود کیفیت کاهش می‌یابد. حتی در بسیاری از موارد، تولیدکننده با کاهش کیفیت مواد اولیه، تغییر فرمول تولید یا کاهش هزینه‌های کنترل

کیفیت می‌تواند حاشیه سود بیشتری کسب کند. در نتیجه بنگاه‌ها به تدریج از رقابت بر سر کیفیت فاصله گرفته و تلاش خود را بر عواملی متمرکز می‌کنند که بتواند سودآوری آنها را حفظ کند. این عوامل ممکن است شامل دریافت حمایت‌های دولتی، بهره‌مندی از یارانه‌ها، کسب امتیازات ویژه یا تأثیرگذاری بر فرآیندهای اداری تعیین قیمت باشد. چنین شرایطی نه تنها انگیزه نوآوری و ارتقای کیفیت را تضعیف می‌کند، بلکه موجب کاهش رقابت‌پذیری صنعت، افت رضایت مصرف‌کنندگان و کاهش بهره‌وری در بلندمدت خواهد شد.

ب) مصرف بی‌رویه محصولات غذایی

یکی از پیامدهای اقتصادی قیمت‌گذاری دستوری در صنایع غذایی، ایجاد انگیزه برای مصرف بیش از حد کالاهای یارانه‌ای و مشمول حمایت است. هنگامی که قیمت یک محصول به‌صورت مصنوعی پایین‌تر از سطح تعادلی بازار نگه داشته می‌شود، مصرف‌کنندگان با سیگنال نادرستی مواجه شده و هزینه واقعی مصرف آن کالا را احساس نمی‌کنند و در نتیجه میزان مصرف از سطح بهینه فراتر می‌رود. این موضوع علاوه بر تحمیل بار مالی بیشتر به دولت از طریق پرداخت یارانه یا حمایت‌های قیمتی، می‌تواند آثار نامطلوبی بر سلامت جامعه نیز داشته باشد. برای نمونه، بر اساس آمارهای انجمن تولیدکنندگان قند و شکر ایران، سرانه مصرف قند و شکر در ایران در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۵/۳ کیلوگرم به ازای هر نفر بوده است، در حالی که متوسط جهانی این شاخص حدود ۲۲/۳ کیلوگرم برآورد می‌شود. همچنین بر اساس آمارهای سازمان بورس و اوراق بهادار، سرانه مصرف روغن گیاهی در ایران حدود ۲۵ کیلوگرم در سال است که از متوسط مصرف در آسیا (۱۵ کیلوگرم) و اروپا (۲۱ کیلوگرم) به مراتب بیشتر است. هرچند عوامل متعددی در شکل‌گیری الگوی مصرف نقش دارند، اما پایین نگه داشتن قیمت نسبی این کالاها از طریق مداخلات قیمتی می‌تواند یکی از عوامل تشویق‌کننده مصرف بیش از نیاز باشد. تداوم این وضعیت نه تنها هزینه‌های حمایتی دولت را افزایش می‌دهد، بلکه با تشدید ریسک بیماری‌هایی نظیر چاقی، دیابت و بیماری‌های قلبی-عروقی، هزینه‌های درمانی و اجتماعی قابل توجهی را نیز به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند.

ج) قاچاق مواد غذایی به خارج از کشور

قاچاق مواد غذایی یا هر کالای دیگر زمانی روی می‌دهد که به دلیل ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های تجاری، دسترسی آزاد به آن کالا وجود نداشته و متعاقباً اختلاف قیمت آن کالا در داخل و خارج از مرزهای کشور قابل توجه شده باشد. از آنجا که بخش قابل توجهی از کالاهای اساسی غذایی نظیر روغن خوراکی، شکر و برخی نهاده‌های مرتبط، با استفاده از ارز ترجیحی وارد کشور می‌شوند، قیمت عرضه این محصولات در بازار داخلی معمولاً پایین‌تر از قیمت آنها در کشورهای همسایه قرار می‌گیرد. این اختلاف قیمت، انگیزه اقتصادی قابل توجهی برای قاچاق و خروج غیرقانونی کالا از کشور ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی، برخی اشخاص با بهره‌گیری از شکاف قیمتی موجود، کالاهای یارانه‌ای را از شبکه توزیع داخلی خارج کرده و در بازارهای خارجی با قیمت‌های بالاتر به فروش می‌رسانند. تداوم این وضعیت علاوه بر اتلاف منابع ارزی کشور، موجب کاهش اثربخشی سیاست‌های حمایتی دولت، ایجاد کمبودهای مقطعی در بازار داخلی و افزایش هزینه تأمین کالاهای اساسی برای مصرف‌کنندگان می‌شود.

۳-۱۲- خشکسالی و تغییرات اقلیمی

یکی از چالش‌های مهم صنعت غذایی ایران، وابستگی بالای تأمین مواد اولیه به وضعیت منابع آب، بارندگی و شرایط اقلیمی کشور است. بخش قابل توجهی از نهاده‌های مورد استفاده در صنایع غذایی از جمله گندم، چغندر قند، دانه‌های روغنی، سیب‌زمینی، گوجه‌فرنگی، محصولات باغی و علوفه مورد نیاز صنایع دام و لبنیات در داخل کشور تولید می‌شود و از این رو، کاهش بارندگی و تداوم خشکسالی می‌تواند به طور مستقیم بر حجم و کیفیت تولید این محصولات اثرگذار باشد. بررسی‌های اقلیمی نشان می‌دهند که در سال‌های اخیر و تحت تأثیر گرمایش جهانی، ایران با ناهنجاری‌های بارشی بیشتری به ویژه در دوره‌های ال‌نینو مواجه شده است. پدیده ال‌نینو علاوه بر اثرگذاری بر مقدار بارش، الگوی توزیع زمانی آن را نیز تغییر می‌دهد و احتمال وقوع دوره‌های خشک طولانی و بارش‌های شدید کوتاه‌مدت را افزایش می‌دهد. این تغییرات، آسیب‌پذیری بخش کشاورزی را افزایش داده و موجب رشد خسارت‌های ناشی از سیلاب و تگرگ شده است. از سوی دیگر، تداوم روند گرمایش زمین و افزایش دمای متوسط کشور، موجب تشدید تبخیر، کاهش رطوبت خاک و افزایش نیاز آبی محصولات کشاورزی شده است. به موازات، نامنظم شدن الگوی بارش سبب شده است که تأمین آب مورد نیاز گیاهان در مراحل حساس رشد با اختلال مواجه شود. این شرایط، علاوه بر کاهش عملکرد در واحد سطح، نوسان تولید محصولات کشاورزی را نیز افزایش داده و پیش‌بینی‌پذیری تولید را برای کشاورزان و صنایع وابسته دشوارتر ساخته است. بر اساس داده‌های ۱۱۰ ایستگاه هواشناسی کشور، متوسط دمای ایران در فاصله سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۶ حدود ۱/۳ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته است. همچنین طبق آمارهای وزارت نیرو، متوسط بارندگی کشور در سال آبی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ معادل ۱۳۴/۵ میلی‌متر بوده که نسبت به متوسط ۵۷ سال گذشته حدود ۴۰ درصد کاهش داشته است. تداوم ثبت بارش‌های کمتر از میانگین بلندمدت، حاکی از تشدید روند خشکسالی و تغییرات اقلیمی در ایران است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که بخشی از تولیدات کشاورزی کشور به صورت دیم انجام می‌شود و میزان تولید آنها وابستگی مستقیمی به شرایط بارندگی دارد. از مجموع حدود ۹۰ میلیون تن محصولات کشاورزی تولیدشده در سال ۱۴۰۳، حدود ۱۰ میلیون تن به کشت دیم اختصاص داشته است. از آنجا که حدود ۹۰ درصد اراضی دیم کشور زیر کشت غلات قرار دارد، نوسانات بارندگی می‌تواند تولید غلات و در نتیجه امنیت غذایی کشور و تأمین مواد اولیه بسیاری از صنایع غذایی را با چالش مواجه سازد و زمینه بروز نوسانات قیمتی، افزایش وابستگی به واردات و کاهش امنیت غذایی کشور را فراهم آورد. همچنین افزایش فراوانی وقوع خشکسالی‌ها، سیلاب‌ها و تنش‌های دمایی، ریسک سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را افزایش داده و هزینه‌های تولید، بیمه و جبران خسارات را برای دولت و فعالان اقتصادی به طور قابل توجهی بالا برده است. در مجموع، تداوم آثار گرمایش جهانی و تشدید نوسانات اقلیمی، ضرورت اتخاذ سیاست‌های سازگاری با تغییر اقلیم، توسعه سامانه‌های نوین آبیاری، بهبود مدیریت منابع آب و استفاده از ارقام و بذره‌های مقاوم به تنش‌های محیطی را بیش از پیش نمایان ساخته است.

۴-۱۲- پایین بودن بهره‌وری تولید محصولات کشاورزی در ایران

طبق گزارش سازمان ملی بهره‌وری، متوسط رشد سالانه بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری ایران طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳ حدود ۲/۵ درصد بوده است. بررسی اجزای این شاخص نشان می‌دهد که بخش عمده این رشد ناشی از افزایش بهره‌وری نیروی کار بوده، در حالی که نقش بهره‌وری سرمایه بسیار محدودتر است. در واقع متوسط رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار در این دوره معادل ۴/۰ درصد و متوسط رشد بهره‌وری سرمایه تنها ۰/۳ درصد بوده است. البته افزایش بهره‌وری نیروی کار لزوماً به معنای ارتقای مهارت، دانش فنی یا کارایی تولیدی نیروی انسانی نیست، زیرا این شاخص از نسبت ارزش افزوده بخش کشاورزی به تعداد شاغلان به دست می‌آید و تحت تأثیر تغییرات ساختاری بازار کار نیز قرار دارد. به عبارت دیگر، بخشی از افزایش بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی ایران می‌تواند ناشی از انتقال نیروی کار به سایر بخش‌های اقتصادی و تغییرات ساختاری در اشتغال باشد. همچنین تغییرات در تشکیل سرمایه و بهره‌وری آن به طور قابل توجهی بر بهره‌وری نیروی کار تأثیر می‌گذارد. اما در مجموع این واقعیت قابل انکار نیست که رشد بهره‌وری عوامل تولید در ایران به طور قابل توجهی پایین‌تر از کشورهای پیشرفته و حتی کشورهای در حال توسعه است. مهمترین عوامل سطح نازل بهره‌وری بخش کشاورزی در ایران را به طور خلاصه می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) خرد و پراکنده بودن اراضی کشاورزی

کوچک و پراکنده بودن اراضی کشاورزی یکی از مهمترین عوامل پایین بودن بهره‌وری بخش کشاورزی ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌شود. مزارع کوچک امکان بهره‌گیری از صرفه‌های ناشی از مقیاس را کاهش می‌دهند، به این معنا که استفاده از ماشین‌آلات بزرگ، فناوری‌های نوین، سامانه‌های آبیاری تحت فشار، کشاورزی دقیق و مدیریت یکپارچه مزرعه از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر نیست. در نتیجه هزینه تولید هر واحد محصول افزایش یافته و میزان تولید به ازای هر واحد نهاده (زمین، نیروی کار و سرمایه) کاهش می‌یابد. علاوه بر این، پراکندگی قطعات زمین باعث افزایش زمان و هزینه جابه‌جایی ماشین‌آلات، دشوار شدن مدیریت مزرعه و محدود شدن سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین می‌شود. از این رو اگرچه بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی با محدودیت رشد سطح زیر کشت مواجه‌اند، اما با اتکا به مزارع بزرگ‌تر و سرمایه‌بر توانسته‌اند بهره‌وری بسیار بالاتری نسبت به ایران کسب کنند. از نظر اندازه مزارع، تفاوت میان ایران و کشورهای توسعه‌یافته بسیار چشمگیر است. بر اساس آخرین آمارهای فائو، متوسط سطح زیر کشت هر کشاورز در ایران حدود ۴ تا ۵ هکتار است و در بسیاری از مناطق نیز این اراضی به چند قطعه کوچک و غیرمتصل تقسیم شده‌اند. در مقابل، متوسط اندازه مزارع در اتحادیه اروپا حدود ۱۷ هکتار است. البته واریانس این شاخص بسیار زیاد است، به نحوی که برای مثال، در فرانسه و آلمان این شاخص بین ۶۰ تا ۷۰ هکتار و در برخی کشورهای شرق اروپا حتی بیش از ۱۰۰ هکتار است. در ایالات متحده آمریکا متوسط اندازه مزرعه حدود ۴۶۰ هکتار و در کانادا بیش از ۳۰۰ هکتار است.

ب) پایین بودن سطح مکانیزاسیون و فرسودگی ماشین آلات

یکی از عوامل مؤثر بر پایین بودن بهره‌وری تولید محصولات زراعی در ایران نسبت به کشورهای پیشرفته، محدود بودن استفاده از ماشین آلات و ادوات نوین کشاورزی است. برای مثال در بسیاری از کشورهای پیشرفته، عملیات آماده‌سازی زمین و کاشت غلات و دانه‌های روغنی با استفاده از دستگاه‌های کامبینات انجام می‌شود که امکان انجام همزمان چندین عملیات را در یک مرحله فراهم می‌کند. این فناوری علاوه بر کاهش تعداد تردد ماشین آلات در مزرعه، موجب حفظ رطوبت خاک، کاهش مصرف سوخت، کاهش زمان آماده‌سازی زمین و ایجاد بستر یکنواخت برای جوانه‌زنی بذر می‌شود. در مقابل، در بسیاری از مزارع ایران همچنان از روش سنتی شامل شخم با گاواهن و چندین مرحله دیسک و تسطیح استفاده می‌شود که علاوه بر افزایش هزینه و زمان عملیات، موجب افزایش فشردگی خاک، تبخیر بیشتر رطوبت و کاهش کارایی تولید می‌شود. مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که کامبینات می‌تواند تعداد عملیات آماده‌سازی زمین را تا ۵۰ درصد، مصرف سوخت را ۲۰ تا ۵۰ درصد و هزینه عملیات را ۲۰ تا ۴۰ درصد کاهش دهد. اگر این فناوری همراه با سایر فناوری‌های نوین مانند کاشت دقیق، مدیریت تغذیه و ارقام اصلاح‌شده به کار گرفته شود، افزایش عملکرد محصولات زراعی نیز معمولاً در محدوده ۱۰ تا ۱۵ درصد و حتی در برخی شرایط خاص بیشتر از این گزارش شده است.

البته مشکل اصلی مکانیزاسیون کشاورزی در ایران کمبود دستگاه کامبینات نیست، بلکه خرد بودن اراضی کشاورزی و پایین بودن توان ماشین آلات موجود است. اغلب تراکتورهای مورد استفاده در کشور بین ۷۵ تا ۱۱۰ اسب بخار قدرت دارند، در حالی که بسیاری از کامبینات‌ها و ادوات ترکیبی پیشرفته مورد استفاده در آمریکا و اروپا به تراکتورهایی با توان ۱۵۰ تا ۳۰۰ اسب بخار یا بیشتر نیاز دارند. از این رو، حتی در صورت واردات این تجهیزات، استفاده اقتصادی از آنها در بخش بزرگی از مزارع کشور امکان‌پذیر نخواهد بود.

ج) استفاده گسترده از روش آبیاری غرقابی و محدود بودن توسعه سامانه‌های نوین آبیاری

در سال‌های اخیر اگرچه توسعه سامانه‌های آبیاری تحت فشار در دستور کار قرار گرفته است، اما همچنان بخش قابل توجهی از اراضی کشاورزی کشور با روش‌های سنتی، به ویژه به صورت غرق‌آبی، آبیاری می‌شوند. در این روش، بخش زیادی از آب از طریق تبخیر، رواناب سطحی و نفوذ عمیق از دسترس گیاه خارج می‌شود و در نتیجه راندمان مصرف آب کاهش می‌یابد. در مقابل، کشورهای توسعه‌یافته با استفاده گسترده از سامانه‌های آبیاری بارانی، قطره‌ای و آبیاری هوشمند مبتنی بر حسگرها و داده‌های هواشناسی، ضمن کاهش مصرف آب، توزیع یکنواخت رطوبت در ناحیه ریشه را فراهم کرده و موجب افزایش عملکرد محصولات، بهبود کیفیت تولید و کاهش هزینه‌های بهره‌برداری شده‌اند. گزارش‌های فائو نشان می‌دهند که در بسیاری از محصولات زراعی مانند گندم، ذرت، سویا و کلزا، جایگزینی آبیاری غرق‌آبی با سامانه‌های تحت فشار، علاوه بر کاهش قابل توجه مصرف آب، معمولاً موجب افزایش عملکرد محصولات در حدود ۱۰ تا ۴۰ درصد می‌شود و در برخی محصولات باغی و سبزی و صیفی این

افزایش حتی به ۴۰ تا ۵۰ درصد می‌رسد. همچنین توسعه روش‌های نوین آبیاری می‌تواند ضمن صرفه‌جویی ۳۰ تا ۶۰ درصدی در مصرف آب، کاهش ۲۰ تا ۴۰ درصدی مصرف کود شیمیایی را به همراه داشته باشد.

۱۲-۵- پیشنهادات سیاستی

- حذف کامل سیاست خرید تضمینی؛
- حذف حمایت‌های یارانه‌ای غیرنقدی دولت مانند توزیع حواله‌ای کود شیمیایی و ارایه رایگان سموم کشاورزی؛ در سال‌های اخیر سیاست توزیع کود شیمیایی با قیمت یارانه‌ای در بخش کشاورزی اجرا شده است. بررسی آثار این سیاست نشان می‌دهد که مداخله قیمتی در بازار نهاده‌ها منجر به ایجاد بازار غیررسمی، بروز ناکارایی در تخصیص منابع و کاهش دسترسی برابر کشاورزان به نهاده‌های تولید شده است. علاوه بر این، این سیاست موجب افزایش مطالبات معوق شرکت‌های پتروشیمی تولیدکننده کود از دولت شده و به انباشت بدهی ۱۶۰ هزار میلیارد ریال برای سال ۱۴۰۳- در زنجیره تأمین این نهاده‌ها منجر شده است.
- آزادسازی تجارت محصولات کشاورزی؛ در چنین شرایطی، تولیدکنندگان با دسترسی به بازارهای خارجی می‌توانند درآمد پایدارتر و مبتنی بر قیمت‌های واقعی جهانی کسب کنند که این امر در بلندمدت به افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی منجر خواهد شد. در عین حال آزادسازی واردات به همراه اصلاحات مورد نیاز در زمینه قیمت‌گذاری آب، می‌تواند منجر به حذف تولید غیربهرینه شود.
- عدم تخصیص ارز ترجیحی برای واردات محصولات کشاورزی و ماشین‌آلات مربوطه؛ در چنین شرایطی، سیگنال‌های قیمتی با واقعیت‌های اقتصادی همسو شده و از شکل‌گیری رانت برای واردکنندگان جلوگیری می‌شود. این امر همچنین می‌تواند به تقویت تولید داخلی و کاهش فشار رقابتی غیرمنصفانه بر تولیدکنندگان داخلی کمک کند.
- حذف تعرفه‌های واردات و تسهیل مقررات ورود ماشین‌آلات و ابزارآلات پیشرفته کشاورزی؛ در راستای بهبود بهره‌وری بخش کشاورزی، این مهم می‌تواند به جای اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت برای خرید تجهیزات و سامانه‌های آبیاری نوین از سوی دولت در دستور کار قرار گیرد. این رویکرد می‌تواند هزینه دسترسی به فناوری‌های نوین را کاهش داده و امکان نوسازی سریع‌تر سرمایه در بخش کشاورزی را فراهم کند. این امر علاوه بر افزایش بهره‌وری تولید، موجب ارتقای کیفیت محصولات، کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش رقابت‌پذیری بخش کشاورزی در سطح داخلی و بین‌المللی خواهد شد.
- توسعه سامانه‌های آبیاری نوین نظیر آبیاری قطره‌ای و بارانی؛

- استفاده از ارقام و بذره‌های مقاوم به خشکی.

باید توجه داشت که آزادسازی بخش کشاورزی باید طبق جدول زمان‌بندی‌شده صورت گرفته تا در بازار محصولات استراتژیک اختلال ایجاد نشود. اختصاص کوتاه‌مدت یارانه به مصرف‌کننده نهایی برای حفظ قدرت خرید محصولات ضروری کشاورزی در مرحله گذار کمک‌کننده خواهد بود.

۱۳- نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای صنعت غذایی

نقاط ضعف

- ✓ وابستگی قابل توجه تولید محصولات فرآوری‌شده غذایی به واردات محصولات اساسی کشاورزی همچون ذرت و سویا و دانه‌های روغنی
- ✓ فرسودگی بخشی از تجهیزات و فناوری تولید به ویژه در شرکت‌های تولیدکننده قند و شکر
- ✓ قیمت‌گذاری دستوری و نرخ ارز ترجیحی
- ✓ ضعف در بازاریابی بین‌المللی و ضعف در صادرات محصولات نهایی
- ✓ مقیاس کوچک بسیاری از بنگاه‌ها و عدم برخورداری از صرفه‌های ناشی از مقیاس

نقاط قوت

- ✓ دسترسی به مواد اولیه کشاورزی متنوع در اقلیم‌های مختلف کشور
- ✓ سابقه و تجربه طولانی در تولید محصولات غذایی و صنایع تبدیلی
- ✓ نیروی کار نسبتاً ارزان در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه
- ✓ بازار داخلی بزرگ با جمعیت قابل توجه و تقاضای پایدار برای مواد غذایی
- ✓ امکان توسعه صنایع حلال و محصولات منطبق با استانداردهای اسلامی
- ✓ توان صادراتی در برخی محصولات کشاورزی و باغی

تهدیدها

- ✓ تغییرات اقلیمی، خشکسالی و کمبود منابع آب
- ✓ تداوم تحریم و مشکل نقل و انتقال ارز، تأمین مواد اولیه و موارد مشابه
- ✓ تغییر قوانین و مقررات دولتی نظیر چند نرخ بودن ارز و تضعیف سودآوری شرکت‌های صنعت غذایی
- ✓ نوسانات نرخ ارز و افزایش هزینه واردات نهاده‌ها
- ✓ کاهش قدرت خرید خانوارها
- ✓ افزایش هزینه‌های حمل و نقل و لجستیک
- ✓ ناترازی انرژی و کاهش تولید و در نهایت سودآوری
- ✓ بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی و تجاری
- ✓ اشاعه فرهنگ مصرف‌گرایی در اثر قیمت‌گذاری دستوری
- ✓ قاچاق و رانت‌جویی

فرصت‌ها

- ✓ امکان جایگزینی واردات برخی محصولات غذایی
- ✓ رشد بازار کشورهای آسیای مرکزی، عراق، افغانستان، کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای اورآسیا
- ✓ جذب سرمایه خارجی و ورود تکنولوژی در شرایط پساتحریم
- ✓ توسعه بازار غذاهای فرآوری‌شده
- ✓ توسعه صنایع جانبی و محصولات فرعی همچون تولید الکل از تفاله نیشکر
- ✓ توسعه تجارت الکترونیک و فروش آنلاین مواد غذایی
- ✓ تشویق در تولید برخی محصولات کشاورزی و باغی با سرمایه‌گذاری مشترک منطقه‌ای و خارجی

ساختمان ادارات مرکزی بانک خاورمیانه

ساختمان شماره ۱

تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم

تلفن: ۴۲۱۷ ۸۰۰۰

فکس: ۹۱۲۱ ۲۳۸۳

کدپستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۴۴۵

ساختمان شماره ۲

تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، خیابان ششم، شماره ۲۶

تلفن: ۸۸۵۰ ۹۰۸۱

فکس: ۸۸۷۵ ۶۹۴۹

کدپستی: ۱۵۱۴۶۴۴۱۱۴

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۴۴۵

www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir